

Analyzing the Factors and Consequences of the Communication Gap between Generations in the Family

Mansour Saei*

Abstract

The main objective of this study is analyzing the factors and consequences of the intergenerational communication gap in the Iranian family. By using qualitative method and grounded theory approach, an in-depth semi-structured interview was conducted with 20 researchers of generational studies in Iran. The results showed the causal factors are heavy economic and social responsibility of the family, Reduction of family-oriented collective leisure, loss of authority and parenting role of parents and Lack of knowledge and communication skills between parents and children. The contextual factors are distinctive worldview and values of generations and disruption in economic, social and cultural resources that generate dialogue. the intervening factors include non-recognition of children's generational identity in the family and The presence of political power in the field of dialogue production. Also The results showed that actions caused by contextual and intervening factors include; lack of mechanism for training dialogue-oriented communication, lack of empowering parents to accept the values and life world of their children and lack of economic and social policy and family-centered communication. the consequences includes lack of formation of dialogue-oriented civil family, reduction of intergenerational efficiency and productivity and reduction of intergenerational empathy and participation to build a common present and future.

Keywords: dialogue, family, inter-generational dialogue, communications gap, parents, children

* Assistant Professor at the Institute of Humanities and Cultural Studies m.saei@ihcs.ac.ir

Date received: 2022/12/03, Date of acceptance: 2023/03/05



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل‌ها در خانواده

منصور ساعی*

چکیده

یکی از ابعاد شکاف ارزشی و نگرشی و هنجاری بین نسلی، پدیده شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل فرزندان و والدین در خانواده است. هدف مطالعه حاضر تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی بین نسلی در خانواده ایرانی است. با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد گراند تئوری با ۲۰ نفر از پژوهشگران و مطالعات نسلی در ایران مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند انجام شد. براساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین، مقوله‌ها استخراج، تحلیل و ترسیم شدند. مهمترین عوامل علی «مسئولیت سنگین اقتصادی و اجتماعی خانواده»، «کاهش فراغت جمعی خانواده محور»، «از دست رفتن مرجعیت و نقش والدگری والدین» و «فقدان شناخت و مهارت ارتباطی بین والدین و فرزندان» و مهمترین عوامل زمینه‌ای، «جهان بینی و ارزش‌های متمایز نسل‌ها» و «اختلال در منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مولد گفتگو» و مهمترین عوامل مداخله‌گر «به رسمیت نشناختن هویت نسلی فرزندان در خانواده» و «حضور قدرت سیاسی در عرصه تولید گفتگو در خانواده» هستند. نتایج نشان داد که مهمترین راهبردها و کنش‌های ناشی از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر شامل «فقدان مکانیزم آموزش و ترویج ارتباطات گفتگو محور»، «عدم توانمندسازی والدین برای درک و پذیرش ارزش‌ها و جهان‌زندگی نسل فرزندان» و «فقدان سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی و ارتباطی خانواده محور» هستند و مهمترین پیامدها شامل «عدم شکل‌گیری خانواده مدنی گفتگو محور»، «کاهش کارایی

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، m.saei@ihcs.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴



و بهره‌وری بین نسلی» و «کاهش همدلی و مشارکت بین نسلی برای ساختن حال و آینده مشترک» است.

کلیدواژه‌ها: گفتگو، خانواده، گفتگوی بین نسلی، والدین، فرزندان

۱. مقدمه و طرح مسئله

ساخت، کارکرد و کنش خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی بشر، همواره تحت تاثیر تحولات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی و فناورانه بوده است. تغییر شکل خانواده گسترده، رشد شهرنشینی و به تبع آن توسعه خانواده هسته‌ای از یک سو و تجربه‌های فرهنگی و تاریخی متفاوت و توسعه ضرب نفوذ و مصرف رسانه‌ها و فناوری‌های نوین از سوی دیگر، می‌تواند به تغییر کارکردهای خانواده به ویژه در زمینه توزیع قدرت، تغییر نقش‌ها در خانواده، شیوه جامعه‌پذیری و فرزندپروری و در نتیجه وقوع تحول در کنش‌های ارتباطی و روابط والدین و فرزندان بینجامد.

یکی از مهمترین کنش‌های خانواده، کنش ارتباطی و گفتگو بین اعضای خانواده به ویژه دو نسل والدین و فرزندان است. گفتگو در خانواده، مکانیزم هم‌جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان است و هم از طریق گفتگو اعضای خانواده نیازها، خواسته‌ها، عواطف، نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، تجربه‌ها، افکار و دیدگاه‌ها و احساسات خود را با یکدیگر درمیان می‌گذارند، مشورت می‌گیرند، تصمیم اتخاذ می‌کنند، از همدیگر حمایت و پشتیبانی عاطفی و روانی می‌کنند و تضادها و تنش‌ها را رفع می‌کنند.

اگر گفتگو یا دیالوگ را به مثابه کیفیت ارتباطات انسانی اصیل و ایده‌آل بین انسان‌ها (بوبر، ۲۰۰۴) و به عنوان یک کنش متقابل (منادی، ۱۳۸۵)، مکانیزم نیل به معنای مشترک از مسایل و موضوعات بین دو نسل و محور همدلی، همکاری و مشارکت در نظر بگیریم، امروزه در خانواده ایرانی، والدین و فرزندان نوجوان، فرصت، وقت و انرژی و انگیزه کمتری برای ارتباطات و گفتگوهای طولانی صرف می‌کنند و کمتر از گفتگوی با هم لذت می‌برند (ساعی، ۱۳۹۷) و همچنین در کمتر خانواده‌ای والدین و فرزندان دور هم جمع می‌شوند و درباره موضوعات مختلف با هم گفتگوی واقعی انجام می‌دهند و نظرات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا می‌شوند. (دانایی، ۱۳۸۴: ۸، منادی، ۱۳۸۵: ۸۱). به عبارتی نوعی فاصله و شکاف ارتباطی بین والدین و فرزندان بین آنها وجود دارد. برآیند نتایج مطالعات نسلی در سال‌های اخیر در ایران، مسئله شکاف ارزشی و هنجاری بین نسلی و پیشران‌ها و پس‌ران

های آن بوده است اما در این مطالعات کمتر شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده و عوامل و شرایط درون و برون خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که یکی از ابعاد شکاف ارزشی و نگرشی و هنجاری بین نسلی، بغرنج شدن ارتباطات بین نسل ها و شکل گیری شکاف ارتباطی و گفتگویی در خانواده است.

کاهش گفتگو و اختلال در ارتباطات میان فردی بین نسلی در خانواده زمانی معنادار می شود که بدانیم در دهه های اخیر خانواده ایرانی در معرض کلان روندها و تحولات و تجربه های تاریخی (وقوع انقلاب و جنگ)، اجتماعی (جوانی جمعیت، توسعه خانواده هسته ای، افزایش فارغ التحصیلان بیکار و ازدواج نکرده) و سیاسی (تغییر گفتمان های سیاسی دولت ها) اقتصادی (تورم و تحریم اقتصادی) و فرهنگی و فناورانه (افزایش ضریب نفوذ و مصرف رسانه ها و فناوری های ارتباطی) سریع و متعددی قرار گرفته است که به نظر می رسد بر شکاف ارتباطی و تعاملات بین نسل ها تاثیرات بسزایی گذاشته است. تدقیق عوامل و شرایط اصلی و زمینه ساز و مداخله گر موثر بر شکل گیری شکاف گفتگویی بین نسل والدین و فرزندان در خانواده مستلزم یک مطالعه علمی است.

به نظر می رسد خانواده ایرانی برای نیل به پایداری، همبستگی و پیوند بین نسلی و کاهش پیامدهای شکاف بین نسلی، نیازمند تعامل، گفتگوی بین نسل هاست. گفتگو می تواند به عامل همگرایی و جلوگیری از تضاد و تعارض بین نسلی تبدیل شود. شاید بتوان گفت که گفتگوی بین نسلی زمینه و بستر رسیدن به تفاهم بین نسلی و رسیدن به معنا و درک مشترک درباره موضوعات و مسائل مختلف و شکل گرفتن دغدغه ها و اهداف و گفتمان مشترک در مورد حال و آینده است. بر همین اساس مطالعه حاضر با درک اهمیت موضوع شکاف و اختلال ارتباطی بین نسلی و ضرورت شکل گیری گفتگوی بین نسلی در خانواده ایرانی، با استفاده از رویکرد تئوری زمینه ای در پی شناسایی و تحلیل عوامل علی، زمینه ای و مداخله گر و راهبردها و پیامدهای شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل فرزندان و والدین در خانواده است.

۲. تعریف نسل و رویکردهای نظری به روابط بین نسلی

از دیدگاه کارل مانهایم نیز نسل مجموعه افرادی است که علاوه بر دارای دیدگاه های مشترک بر اساس تجربیات مشترک (تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و ...) هستند و از افرادی که چنین وضعیتی ندارند متمایز می شوند. منظور از روابط نسلی، نوع و کیفیت مناسبات، تعاملات و کنش های ارتباطی بین دو یا سه نسل با همدیگر در فضای اجتماعی و خانوادگی است که

ناشی میزان همگرایی یا واگرایی ارزش‌ها، علائق، خواسته‌ها، نیازها، جهان بینی، تجربه‌ها و معناهای دو یا چند نسل با هم است. در این مطالعه منظور از نسل‌ها، نسل والدین و فرزندان نوجوان و جوان در خانواده است. (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۷).

زمانی که تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی و فرهنگی و رسانه‌ای مقوله روابط بین نسل‌ها به صورت یک مساله اجتماعی بروز و ظهور پیدا کرد، مفهوم پردازی‌ها برای توصیف و تحلیل کنش‌ها و تعاملات و روابط بین نسل‌ها از سوی صاحب نظران و پژوهشگران شروع شد که مفهوم «شکاف نسلی» یکی از آنها است. می‌توان شکاف نسلی را عدم انتقال ارزش‌های نسل پیشین به نسل پسین و در نتیجه نبود درک و تفاهم ارزشی و باوری و فکری و نظایر آن میان نسل‌هاست که به دلیل عوامل و متغیرهای متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژیکی و رسانه‌ای و تجربیات متفاوت آنها ایجاد شده است. مفهوم شکاف در جامعه‌شناسی به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری اشاره دارد که در جریان تقابل‌های سیاسی و اجتماعی بروز می‌کنند که اصلی‌ترین صورت آن، شکاف زندگی مدرن و سنتی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شیوه زندگی جدید شورش بر ضد هر چیزی است که از نظر جوانان سنت تلقی شده باشد. گریز از سنت باعث ایجاد پدیده‌ای موسوم به شکاف بین نسل‌ها شده است. شکاف نسلی به وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری و ارتباطی مابین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان‌ماتر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میانسال با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند. شکاف نسلی دلالت بر وجود منافع، مطالبات و سوگیری‌های نامتجانس و ناسازگار در میان نسل‌ها دارد (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۷).

برخی از نظریه پردازان نظیر مارگارت مید و کارل مانهایم براین باورند که جوامعی که در گذار تاریخی خود، تغییرات و تحولات تاریخی متعدد و سریعی را تجربه می‌کنند، از استعداد و آمادگی بیشتری برای ظهور نسل (generation) متمایز از نسل‌های قبلی و تولید شکاف‌های اجتماعی از جمله فاصله و شکاف ارزشی و نگرشی رفتاری بین نسلی (Intergenerational gap) برخوردار هستند (ساروخانی و صداقتی فرد، ۱۳۸۸). مانهایم، جامعه‌شناس آمریکایی معتقد است جایی که حوادث تازه، کمیاب و تغییرات‌گند است، اساساً یک نسل مجزا ظاهر نمی‌شود، بلکه تنها هنگامی که چنین حوادثی زیاد و سریع رخ می‌دهند، نسل جدیدی ظهور می‌یابد (مانهایم، ۱۳۸۰). مارگارت مید نیز تجربه تاریخی دو نسل

پیش و پس از جنگ جهانی دوم و سرعت تغییرات اجتماعی در ایجاد دگرگونی های نسلی اشاره می کند و معتقد است که نسل گذشته در دنیایی بدون بمب اتم، تلویزیون، ماهواره و رسانه های جمعی جهانی، بدون رایانه و بدون بسیاری از وسایل مدرن بزرگ شده اند و در نتیجه تجربه نسل جدید را درک نمی کنند (مید، ۱۳۸۵).

۳. تعریف گفتگو و رویکردهای نظری به گفتگو

گفتگو یا دیالوگ به عنوان بخشی از ارتباطات انسانی ایده آل بین دو نفر یا یک گروه، فرآیندی است که طی آن واژه ها، اطلاعات، افکار و باورها و ارزشها و احساسات و عواطف بین دو ارتباط گرد و بدل می شود. عمل گفتگو، کوششی برای فراهم کردن شرایط و جوی محترمانه و اعتمادآمیز و مبتنی بر جست و جو و کاوش است که در آن این اجازه به همه (طرفین ارتباط) داده می شود تا به کشف معنای مشترکی دست یابند (بوهم، ۱۳۸۱). مونولوگ، متضاد گفتگو است. در مونولوگ یک فرد به صورت مقتدرانه، اندیشه دیگران را تخطئه می کند، آنان را به سکوت فرامی خواند و درک خویش را به گمان اینکه فهم و تفسیر درستی است به دیگران تحمیل می کند. مونولوگ انکار این واقعیت است که بیرون از «من» ممکن است آگاهی دیگری وجود داشته باشد که به اندازه شناخت من معتبر بوده و قادر است در برابر اندیشه من بایستد و توان پاسخ داشته باشد. مونولوگ به انکار دیگری و استقلال و کفایت آن به عنوان یک اندیشه و باور مستقل برمی خیزد. براین اساس خود را کامل و کافی می پندارد و گوش شنوایی برای شنیدن دیگری ندارد (نامور مطلق، ۱۳۸۷).

گفتگو روشی غیرتقابلی و رای تمام اشکال ارتباطات میان فردی نظیر بحث، مجادله، مناظره و مناقشه و نظایر آن است که در آنها هدف غایی پیروزی «خود» و شکست «دیگری» است. ارتباطات گفتگو محور «متضاد جدل» است. چون در جدل و بحث، مشارکت گران باهم رقابت می کنند و برای پیروزی تلاش می کنند (هرزیگ و چاسین، ۲۰۰۶). همچنین مهمترین اصول گفتگو را می توان شامل تعلیق قضاوت، پرسشگری، گوش دادن، آرامش ذهنی، احترام گذاشتن، همدلی و پذیرش انتقاد، برابری موضع فکری و آفرینش و خلق معنا دانست (نیستانی، ۱۳۹۴: ۱۰۷ تا ۱۲۱).

نظریه کنش ارتباطی هابرماس، معطوف به مقوله دیالوگ و گفتگو در ارتباطات بین افراد در جامعه است. «حصول تفاهم» مولفه کلیدی فهم کنش ارتباطی به شمار می رود. باید توجه داشت که مراد از این اصطلاح، رسیدن به هم فهمی دوطرفه در کنش ارتباطی بوده و بنا به گفته خود

هابرماس، مراد از آن، فرآیند رسیدن به توافق در میان کنشگران ارتباطی است (هابرماس، ۱۳۸۴: ۳۹۱). هابرماس کنش ارتباطی را کنشی تعریف می‌کند که «متمایل به دستیابی، حفظ و تجدید توافق است». (همان، ۳۹۳) توافق اهمیت دارد؛ زیرا هابرماس اصرار می‌ورزد که اگر قرار نیست جامعه از درون متلاشی شود، نیاز داریم تا نسبت معینی از اعتقادات و هنجارهای فردی را بطور مشترک حفظ نماییم. کنش ارتباطی با هدایت نمودن برنامه‌های کنش شرکت کنندگان به روش و شیوه توافقی، از این گنجینه اخلاق اجتماعی محافظت به عمل می‌آورد. کنش ارتباطی گویندگان و شنوندگان را متعهد می‌سازد تا به ادعاهای یکدیگر در بیان اهداف و مقاصد فردی خود به طور جدی توجه نمایند. از دیدگاه هابرماس عقلانیت ارتباطی، نظامی ارتباطی است که در آن افکار آزادانه ارائه می‌شوند و در برابر انتقاد حق دفاع داشته باشند و مهم‌ترین شرط عقلانی کردن ارتباطات، انتقادپذیری و دلیل‌پذیری است (همان: ۴۳۰). از دیدگاه هابرماس، مهم‌ترین رقیب کنش ارتباطی، کنش راهبردی است که در حال حاضر نیز کنش غالب بر جهان به شمار می‌رود. کنش راهبردی مستلزم بازیگری است که به دیگران، تنها به حسب میزان سودمندی آنها برای دستیابی به هدفی پیش‌پنداشته، می‌نگرد (هابرماس، ۱۳۸۰: ۲۳۰-۲۳۵).

مارتین بوبر، در کتاب «من و تو» فیلسوف فقید معاصر، دو شیوه ارتباطات میان انسان‌ها را از هم متمایز می‌کند. در «ارتباطات من-آن (I-it)» روابط ما با دیگران به صورت غیرشخصی/غیرانسانی و بی‌روح است و همانند اشیاء با رفتار می‌کنیم. ما با فروشنده، خدمتکاران رستوران‌ها و منشی‌ها و کارمندان دفتری را به مثابه یک فرد انسانی منحصر بفرد رفتار نمی‌کنیم بلکه با آنها همانند ابزاری برای برآورده سازی دستورها و خواسته‌های مان رفتار می‌کنیم. در خانواده‌های ناکارآمد (دارای روابط ناسالم)، والدین ممکن است که فرزندان را نادیده بگیرند و از صحبت کردن با آنها اجتناب کنند که در نتیجه آن با فرزندان همانند «اشیاء» یا «آن» رفتار کنند نه همانند یک فرد انسانی بی‌ظنیر. نوع دومی که بوبر در ارتباطات از نظر بوبر، ارتباطات من-تو (I-thou) است که شیوه‌ای مستقیم و کاملاً شخصی در ارتباطات است و به معنی بازبودن طرفین در مقابل علائق و نگرانی‌های یکدیگر است. در این رابطه ما دیگر به واسطه پست و مقام، نزاکت اجتماعی، خودنمایی یا بی‌علاقگی و... از هم جدا نمی‌شویم. بلکه با هم به عنوان افراد انسانی منحصر بفرد برخورد کرده و بدون فاصله و مستقیماً با هم سخن می‌گوییم (بوبر، ۱۳۸۰: ۵۱). بوبر این نوع ارتباط را بالاترین شکل ارتباطات محور بشری می‌داند. زیرا هر فردی، فرد دیگری را به عنوان یک وجود منحصر بفرد می‌پذیرد. زمانی که در سطح من-تویی تعامل می‌کنیم، دیگران را در هستی و فردیت انسانی اش ملاقات می‌

کنیم. در واقع به جای رفتار با آنها در چارچوب «نقش های اجتماعی شان»، آنها را به عنوان موجودات انسانی منحصر بفردی می بینیم و و می پذیریم. در ارتباطات من-تویی، ما کاملاً خود را باز می کنیم و به دیگران اعتماد می کنیم تا ما را با همه خوبی ها، بدی ها و امیدها و ترس ها و قوت و ضعف ها بپذیرند (وود، ۲۰۱۶: ۱۲ و ۱۳ به نقل از بوبر، ۱۹۷۰). در واقع در مقابل ارتباطات «من-آن» که از نوع رابطه ی «سوژه» و «ابژه» است، ارتباطات «من و تو» قرار دارد که از نوع ارتباط «سوژه» با «سوژه» است. (ایمانی و شرفی، ۱۳۸۸). در نگاه بوبر، زندگی خود نوعی ملاقات است و گفتگو مرزی است که ما در آن یکدیگر را ملاقات می کنیم. در ارتباطات من-آن، نگاه به انسان مقابل تا حد یک شیء پایین می آید و فقط وسیله ای است برای رسیدن به هدف. در واقع ارتباطات من-آن منفعت گرایانه و نابرابر (از بالا به پایین) است و همان تک گویی یا مونولوگ است که لباس یا گفتگو به تن کرده است. اما در ارتباطات من-تویی ارتباطات برابر و افقی است و دو شخص با هم با احترام متقابل رفتار می کنند. هرکس از اندیشه دیگری استقبال می کند و این به معنای استفاده از دیگران برای رسیدن به اهداف خویش نیست، بلکه از روی احترام به دیگری است. بوبر این نوع ارتباط را گفتگو می نامد که بالاترین و عمیق ترین نوع ارتباط است. (نیستانی، ۱۳۹۴).

۴. گفتگوی بین نسلی در خانواده

خانواده به عنوان یک سیستم، کانون اصلی تعامل و ارتباط طبیعی بین نسل والدین و فرزندان است. گفتگو یک مکانیزم ارتباطی است که طی آن اعضای خانواده نیازها، خواسته ها، عواطف، نگرانی ها و دغدغه ها، تجربه ها، افکار و دیدگاه ها و احساسات خود را با یکدیگر در میان می گذارند، مشورت می گیرند، تصمیم اتخاذ می کنند، از همدیگر حمایت و پشتیبانی عاطفی و روانی می کنند و تضادها و تنش ها را رفع می کنند. در واقع برجسته ترین کارکرد خانواده یعنی جامعه پذیری، بازتولید و درونی کردن و مبادله عقاید، باورها ارزش ها و هنجارها در خانواده از طریق فرآیند ارتباطات و گفتگو بین اعضای خانواده (بین نسل والدین و فرزندان) صورت عینی به خود می گیرد.

سبک و نوع ارتباطات میان فردی تحت تاثیر ساختار و الگوهای جامعه پذیری و تربیتی در خانواده قرار می گیرد. در شیوه جامعه پذیری دموکراتیک، والدین با فرزندان با محبت و گرم و صمیمی و دارای ارتباطات دوسویه کلامی هستند. در این خانواده ها نظام تصمیم گیری و تربیتی مبتنی بر مشورت، تصمیم گیری جمعی، تنوع آرا، حقوق برابر و احترام متقابل، امکان

اعمال انتقاد و تشویق متقابل است. اما در شیوه سطله جویانه، ارتباطات بین والدین و فرزندان یکسویه والدمحور است و فرزندان فرهنگ تعامل، ارتباطات، اظهار نظر، گفتگو و تفاهم را نمی آموزند، بلکه فرهنگ دیکته شدن و دیکته کردن را فرامی گیرند. در چنین خانواده هایی رابطه والدین و فرزندان کمتر گرم و صمیمانه بوده و بیشتر بر کنترل و اعمال قدرت و اطاعت فرزندان تاکید می شود. در شیوه جامعه پذیری سهل گیرانه، عدم تعیین تکلیف، فقدان مشارکت والدین در تصمیم گیری، بی تفاوتی در برابر عملکردها و ارتباطات و تعاملات با فرزندان وجود دارد. در چنین خانواده هایی فرزندان استقلال رای و اظهار نظر و تعامل سالم، مثبت و منطقی را یاد نمی گیرند. در این خانواده ها روابط اعضای خانواده آشفته و سرد است (وحید و نیازی ۱۳۸۳، نوابخش و فتحی، ۱۳۹۰).

به طور کلی می توان از طریق گفتگوی بین نسلی، والدین و فرزندان با هم همکاری و همدلی می کنند و هر دو متقابلاً تلاش می کنند تا با گذر از تفاوت ها، علایق مشترک را کشف کنند و به معنای مشترک دست یابند. در واقع می توان گفت که، راه اصلی برای خلق و تبادل ایده ها، معانی و افکار و دیدگاه ها و تجربه های افراد با یکدیگر و رسیدن به تفاهم و همدلی است. نوعی ارتباطات تعاملی متقابل، دموکراتیک، چندصدایی، مشارکتی، همدلانه و خلاقانه از طریق مشارکت کنندگانی است که به طور متناوب فرصت دارند تا در مورد یک موضوع و با یکدیگر درباره نقاط همگرایی و واگرایی دیدگاه های فردی شان صحبت کنند (باکستر، ۲۰۰۷). این نوع از ارتباطات، راه مشارکت را برای همه طرفین ارتباط باز می کند و پذیرش و احترام متقابل به باورها، افکار و دیدگاه های یکدیگر را در عین حفظ مواضع و استقلال نظر و دیدگاه فردی را تشویق می کند.

فیتزپاتریک و ریچی در الگوی خود تحت عنوان «الگوی ارتباطات خانواده» به تبیین نوع تعاملات و ارتباطات در خانواده پرداخته اند. آنها در دهه ۱۹۹۰ در مطالعات تجربی خود دو الگوی ارتباطی «جهت گیری گفت و شنودی» (Conversation orientation) و «جهت گیری هم‌نواپی» (Conformity orientation) را در ارتباطات میان فردی خانواده (میان والدین و فرزندان) شناسایی کرده اند. «جهت گیری گفت و شنود» بر ارزش ارتباط و تعامل فراوان، خودبه خودی و بدون اجبار و فشار میان اعضای خانواده تأکید دارد. «جهت گیری هم‌نواپی» با یکرنگی و هم‌رنگی اعتقادات، نگرشها و ارزشها مشخص می شود. تعاملات خانواده بر حفظ روابط هم‌رنگی تأکید دارد که منعکس کننده اطاعت از والدین است. از ترکیب دو بعد جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری هم‌نواپی چهار نوع خانواده حاصل

می شود که هر کدام الگوی ارتباطی متفاوتی دارند. این خانواده ها شامل خانواده های توافق کننده (Consensual) (دارای گفت و شنود بالا و همنوایی بالا)، کثرت گرا (Pluralistic) (دارای گفت و شنود بالا و همنوایی پایین)، محافظت کننده (Protective) (دارای گفت و شنود پایین و همنوایی بالا) و بی قید (Laissez- Faire) یا به حال خود واگذارنده (دارای گفت و شنود پایین و همنوایی پایین) هستند (کوثرنر و فیتزپارتیک، ۲۰۰۲).

۵. پیشینه تجربی

با وجود گذشت چند دهه از بحث روابط بین نسل ها و انجام پژوهش های متعدد ایران و جهان، مطالعات اندکی، روابط بین نسلی را از منظر ارتباطات انسانی و گفتگوی بین نسلی در خانواده چندان مورد توجه قرار داده اند. مطالعات شرفی (۱۳۸۲) و منصور نژاد (۱۳۸۲) با رویکردی تئوریک به توصیف و تحلیل بحران در تعاملات بین نسلی در جامعه و خانواده پرداخته اند و علت اصلی وضع موجود را ناشی از تغییرات کلان ساختاری ناشی از مدرنیته و نوسازی جامعه می دانند که به بحران ارتباطات میان فردی و کاهش و سرد شدن تعاملات بین نسلی در خانواده و جامعه منجر شده است. نتایج مطالعه کیفی ساعی (۱۳۹۸) با تحلیل میزان و نوع و ویژگی های تعاملات و ارتباطات میان فردی نسل ها در خانواده به این نتیجه رسیده است که ارتباطات گفتگو محور در خانواده ایرانی به ندرت وجود دارد و این موضوع بر روابط میان والدین و فرزندان از جمله همدلی، صمیمیت، خودافشایی و نهاده تاثیر منفی گذاشته است. نتایج مطالعه حریری و زمانی راد (۱۳۹۱) نیز به مقوله شکل گیری شکاف دیجیتال ناشی از ورود فناوری های ارتباطی به خانواده ها پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که مهارت استفاده از فناوری و علاقه و اشتیاق نسل والدین به آن می تواند به تقویت ارتباطات میان فردی آنها و درک و تفاهم بین نسلی کمک کند. مطالعه خانیکی و همکاران نیز به آموزش (بدون اشاره به موضوع نسل ها در ایران) به عنوان یک روشی موثر برای پرورش فرزندان و شهروندانی متعهد، عقلانی و خلاق اشاره می کنند.

در مطالعات خارجی نتایج پژوهش آدامکوا و دانکوا (۲۰۱۴) نشان داد که کاهش خانواده های چندنسلی، ترجیح فرزندان برای تقویت ارتباطات با همسالان آفلاین و آنلاین به جای ارتباط با والدین، کار و اشتغال والدین، استفاده بیش از حد فرزندان از فناوری های ارتباطی، عدم آشنایی و اشتیاق والدین به استفاده از فناوری های ارتباطی و رسانه ها برای ارتباط با فرزندان، عدم درک اهمیت ارتباطات مجازی با کودکان و کاهش رویدادهای ارتباطی در

خانواده مهمترین موانع تعاملات و شکل گیری گفتگوهای بین نسلی هستند. مطالعات کیفی مک مالکوم وهمکاران (۲۰۱۰)، مطالعه فریره و همکاران (۲۰۱۵) و یاسونگا و همکاران (۲۰۱۶) در مورد برنامه های بین نسلی نشان داد که برنامه ها و کمپین های ارتباطی و اجرایی در حوزه کار و آموزش و پژوهشی بین نسل جوان و بزرگسالان (میانسالان و سالمندان) می تواند به ایجاد و توسعه تعامل و گفتگو بین نسلی، همدلی، صمیمت، توسعه روابط جدید، شکل گیری شبکه اجتماعی جدید و درک مثبت از نسل های دیگر، یادگیری دانش و مهارتهای جدید، افزایش اعتماد به نفس جوانان و بزرگسالان کم کند. مطالعه تاپیل و فارینوس (۲۰۱۸) نیز نشان داد که رسانه های اجتماعی و به ویژه پیام رسان های موبایلی نظیر واتس اپ عامل تسهیل کننده ارتباطات و گفتگوی بین نسلی در خانواده های فنلاندی و ایتالیایی هستند. همچنین مطالعه راجیو، تومو و ولینوا (۲۰۲۰) هم نشان داد که در شکاف نسلی و ارتباطات بین نسلی عینی اعضای خانواده های بلغاری که به دلیل مهاجرت های شغلی و تحصیلی به کشورهای دیگر از هم جدا شده اند، بیشتر شده است اما همان حال استفاده از فناوری های ارتباطی باعث تداوم ارتباطات روزانه و به اشتراک گذاری احساسات و عواطف و همدلی بین نسلی شده است.

با بررسی مطالعات تجربی داخلی و خارجی می توان گفت که پژوهش حاضر در ایران از نظر موضوعی، مساله محور و جدید است. مطالعات ایرانی دو گونه هستند: یک گروه تحلیل علل و عوامل مقوله شکاف بین نسلی را برشمرده اند و پیامد شکاف نسلی را کاهش ارتباطات میان فردی بین نسل والدین و فرزندان می دانند و به صورت علمی گفتگوی بین نسلی نپرداخته اند. گروه دوم پژوهش هایی هستند که به توصیف صرف ویژگی ها و وضع موجود ارتباطات میان فردی تمرکز دارند و اشاره چندانی به مقوله موانع و عوامل اثرگذار بر گفتگوی بین نسلی در خانواده ندارند، اما در پژوهش حاضر به صورت مستقل مقوله گفتگوی بین نسلی در خانواده ایرانی مورد توجه قرار می گیرد. اما در مطالعات خارجی بررسی شده، مقوله گفتگوی بین نسلی و عوامل و موانع موثر بر شکل گیری آن یکی از محورهای مهم بوده است. اما نقص مطالعات خارجی نیز عدم تمرکز بر خانواده بوده و بیشتر مطالعات بر دو نسل جوان و سالمندان در جامعه متمرکز شده اند که احتمالاً ناشی از مساله محور بودن سالمندی در آن جوامع به دلیل پیری اکثریت جمعیت بوده است. مطالعه حاضر از نظر روشی هم جدید است. مطالعات انجام در ایران در حوزه ارتباطات و روابط بین نسلی در خانواده که با روش کمی و کیفی انجام شده اند، کمتر به ارائه الگو، مدل و یا نظریه پرداخته اند. در حالی که یکی از

ابتکارات این پژوهش، ارائه مدلی نظری برای تبیین علل و عوامل و موانع خرد و کلان درون و برون موثر برگفتگوی بین نسلی در خانواده ایرانی است. این نظریه می تواند ما را به درک درستی از عوامل و موانع فراروی شکل گیری و توسعه تعامل و ارتباطات میان نسلی رهنمون شود.

۶. روش شناسی مطالعه

مطالعه حاضر در صدد تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل فرزندان و والدین در خانواده ایرانی و ارائه یک الگوی نظری است. برای نیل به این هدف با بهره گیری از روش کیفی و رویکرد گراند تئوری با ۲۰ نفر از پژوهشگران و مطالعات نسلی در ایران مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند انجام شد. جامعه پژوهش (مصاحبه شوندهگان) در این پژوهش، «پژوهشگران و صاحب نظران حوزه روابط بین نسلی» در ایران بودند که طی دو دهه گذشته به صورت دغدغه مند و مستمر به پژوهش در این حوزه مشغول بوده اند. انتخاب مشارکت کنندگان (در اینجا مصاحبه شوندهگان) در پژوهش های کیفی به شکلی انجام می گیرد که از آنها بیشترین اطلاعات (مطلع) در مورد پدیده مورد بررسی به دست آید. صاحب نظران و پژوهشگران و کارشناسان علوم انسانی و اجتماعی که در این پژوهش مورد پرسش قرار می گیرند دو ویژگی مهم دارند؛ یکی اینکه در دهه های اخیر مطالعات خود را بر مقوله روابط نسلی، خانواده یا در خانواده و جامعه متمرکز کرده اند و تجربه زیسته علمی و پژوهش مطلوب و دقیقی دارند (مطلع از موضوع و ابعاد آن هستند) دوم اینکه، خود به عنوان والد، تجربه زیسته عملی تعامل و گفتگو با نسل فرزندان را داشته اند. یافته های به دست آمده از هر مصاحبه بدون نام مشارکت کننده و براساس یک طبقه بندی و با اختصاص یک کد (مانند P-1)، نشان دار شد که به معنی مشارکت کننده شماره یک یا Participant-1 است. مصاحبه شوندهگان در این مطالعه عبارتند از: نعمت الله فاضلی (P1)، محسن رنایی، نریمان یوسفی، مصطفی مهرآیین، فردین علیخواه، جبار رحمانی، محمد فاضلی، محمد منصورنژاد، علیرضا رحیمی، حمید عبداللهیان، محمدجواد چیت ساز، فروزنده جعفرزاده پور، علی قنبری، مهرنوش هدایتی، آیت الله میرزایی و... بودند.

در این مطالعه براساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین، مقوله های معطوف به شرایط علی، مداخله گر و زمینه ای موثر بر شکاف گفتگویی بین نسل ها و مقوله های مربوط به راهبردها و پیامدها استخراج، تحلیل و ترسیم شدند. به دلیل شیوع کرونا بیشتر مصاحبه ها ۱۵

مصاحبه به صورت آنلاین و ۵ مصاحبه هم به صورت حضوری انجام و ثبت و ضبط شد. مدت هر مصاحبه از ۶۰ الی ۱۲۰ دقیقه و میانگین آن ۶۰ دقیقه بود و انجام مصاحبه ها تا نیل به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده ها طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی و با کمک نرم افزار مکس کیودا و روش توصیفی هفت مرحله‌ای کلابیزی انجام شد (مورو، رودریگز و کینگ، ۲۰۱۵). نخست از دل تعداد زیاد انواع داده های اولیه، ۹۸۴ کد مرتبط با موضوع موانع گفتگوی بین نسلی در خانواده مشخص شدند، سپس به شیوه مقایسه مداوم از دل چندین کد، یک مفهوم استخراج شد و به همین شیوه سایر کدها نیز به مفاهیم تبدیل شدند تا در نهایت ۳۵۰ مفهوم به دست آمد. در مرحله بعد، هر چند مفهوم در قالب یک مفهوم کلی تر قرار گرفتند تا ۷۰ مفهوم و ۱۶ مقوله مقوله برای این پژوهش به دست آمده باشد. از میان ۱۶ مقوله، یکی به عنوان مقوله مرکزی ظاهر شد تا در کنار ۱۵ مورد دیگر، اجزای نظریه زمینه ای به دست آمده از پژوهش را تشکیل دهند. مقوله مرکزی شناسایی شده در این پژوهش، «اختلال در گفتگوی بین نسلی در خانواده» است که بقیه مقوله ها در رابطه با آن معنا پیدا می کند. مقوله ها برای ارائه در یک مدل تصویری پارادایمی مبتنی بر الگوی اشتراوس و کوربین در پنج دسته شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها قرار گرفتند. در جدول زیر شیوه استخراج و تبدیل گویه ها به کدهای باز، کدمحوری و مقوله های انتخابی آمده است. به دلیل حجم زیاد گویه های صاحب نظران، از ذکر و ارجاع به گویه ها در متن یافته ها و تحلیل ها صرف نظر می شود و تنها نتایج تحلیلی ارائه می شود.

جدول ۱. شیوه استخراج و تبدیل گویه ها به مفاهیم و مقوله ها

کد انتخابی	کدمحوری	کد باز	برخی از گویه ها
گویه های کلامی نسلی و تاریخ خانواده	مسئولیت های اقتصادی و اجتماعی خانواده	اثر وضعیت عینی تامین هزینه های اقتصادی و معیشت خانوار	...در واقع به دلیل شرایط بد اقتصادی، در طول تمام روز والدین هر دو سرکار هستند و فرزندان ها کنار والدین نیستند و بچه ها در مهد کودک بزرگ می شوند و افراد خانواده خیلی کم کنار هم هستند و زمانی هم که باشند، خسته هستند و انرژی شان ته کشیده... (P3)

تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی ... (منصور ساعی) ۲۳۱

<p>وقتی دولت و نهادهای اقتصادی و اجتماعی مسئولیت خود را به درستی انجام نمی دهند، خانواده مجبور به پذیرش مسئولیت آن وظایف می شود. ببینید الان خیل عظیم نسل جوان تحصیل کرده اما بیکار و ازدواج نکرده در بیشتر خانواده های ایرانی وجود دارند که همین بیکاری و عدم ازدواج موجب طولانی شدن دوره ماندگاری فرزندان در خانواده شده است. حضور طولانی مدت خود همین نسل جوان تنش و چالش ارتباطی درست می کند، میزان پرخاشگری و بحران ارتباطی در خانواده را افزایش می دهد(P8).</p>	<p>انتقال مسئولیت نهادهای اقتصادی و اجتماعی به خانواده</p>	
<p>...نظام مهارت آموزی و آموزشی رسمی ما بسیار نابسامان است، یکی از مهمترین نگرانی ها و دغدغه های خانواده ایرانی این است که فرزندش را به قیمت تحمل هزینه های سنگین به مدارس غیرانتفاعی، کلاس زبان انگلیسی، کنکور و دانشگاه های پولی بفرستد. یا برای برنامه های فراغت و مهارتی و توسعه فردی فرزندش به تنهایی خودش برنامه ریزی و هزینه کند. این یعنی قربانی کردن زمان و فرصت تعامل نسل ها. (P12).</p>	<p>مبارزه والدین برای جبران ناکارآمدی نهادهای بیرونی</p>	

در این تحقیق کنونی از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه های انجام گرفته استفاده می شود. بدین معنا که برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی علاوه بر محقق از یک کدگذار (ارزیاب) متخصص (همکار کدگذاری) در جریان کدگذاری بهره گرفته شد. تکنیک های لازم جهت کدگذاری مصاحبه ها به ایشان آموزش داده شد و در هر کدام از مصاحبه ها، کدهایی که در نظر دو نفر هم مشابه بودند با عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص شدند. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کردند و درصد توافق درون موضوعی بین دو کدگذار ۷۸.۵ درصد محاسبه شد که بیانگر تایید پایایی و قابلیت اعتماد کدگذاری است.

۷. تحلیل یافته ها

۱.۷ تحلیل مقوله های معطوف به شرایط علی

شرایط علی (Casual Conditions)، باعث شکل گیری پدیده شرایط علی یا طبقه محوری یعنی شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده می شوند. با تحلیل داده ها، مقوله های نشانگر شرایط علی شکل دهنده شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده ایرانی در ۵ دسته «مسئولیت های اقتصادی و اجتماعی خانواده»، «کاهش فراغت جمعی خانواده محور و

فضای مشترک خانواده»، «از دست رفتن مرجعیت و نقش والدگری والدین»، «نامطلوب بودن کیفیت روابط والدین با فرزندان» و «فقدان شناخت و مهارت ارتباطات محور بین والدین و فرزندان» قرار گرفتند که در جدول زیر آمده است. در ادامه به توضیح و تشریح هریک از مفاهیم مقوله ها و مفاهیم علی می پردازیم.

جدول (۳) - نتایج کدگذاری باز و محوری مقوله های علی شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها

کدهای باز	کدمحوری / مقوله
اثر وضعیت عینی تامین هزینه های اقتصادی و معیشت خانوار	مسئولیت های اقتصادی و اجتماعی خانواده
انتقال مسئولیت نهادهای اقتصادی و اجتماعی به خانواده	
مبارزه والدین برای جبران ناکارآمدی نهادهای بیرونی	
کاهش دورهمی ها و گردهمایی و فراغت مشترک والدین و فرزندان	کاهش فراغت جمعی و فضای مشترک خانواده
فقدان معماری و فضای فیزیکی ویژه گفتگو در خانه ایرانی	
فراغت شخصی شده رسانه محور والدین و فرزندان در خانه	
کهنه پنداری دانش، تجربه و اطلاعات نسل والدین از سوی فرزندان	از دست رفتن مرجعیت و نقش والدگری والدین
وجود احساس کهنگی اطلاعاتی، باوری و استحاله ارزشی در نسل والدین	
کنارکشیدن خانواده از فرآیند جامعه پذیری و بروسپاری والدگری	
والدین به مثابه کیف پول و تامین کننده صرف نیازها و ارزش های مادی	
وجود ذهنیت و رفتار اقتدارگرایی در والدین تعامل با فرزندان	نامطلوب بودن کیفیت روابط والدین با فرزندان
غیبت روابط افقی در خانواده ایرانی و وجود رویکرد سازمانی به خانواده	
کاهش روابط همدلانه بین والد و فرزند	
عدم شناخت والدین و فرزندان از ماهیت، اصول، ارزش و اهمیت	فقدان شناخت و مهارت ارتباطات گفتگو محور بین والدین و فرزندان
فقدان ظرفیت و شایستگی و مهارت ارتباطی و گفتگویی والدین	
استفاده از ارتباطات کلامی تک گویی و گفتگوی نصیحت گرا و مناظره ای	
فقدان گفتگوی باز و انتقادی و اقناعی بین والدین و فرزندان	

۱.۱.۷ مسئولیت های اقتصادی و اجتماعی خانواده کاهنده فرصت گفتگو

نتایج حاصل از تحلیل گفتگو با صاحب نظران نشان می دهد که یکی از شرایط علی اثرگذار بر اختلال و شکاف گفتگویی بین نسل ها در خانواده ایرانی، مقوله «مسئولیت های اقتصادی و اجتماعی خانواده کاهنده فرصت گفتگو» است که این شرایط ناشی از سه عامل «اثر وضعیت عینی تامین هزینه های اقتصادی و معیشت خانوار»، «انتقال مسئولیت نهادهای اقتصادی و

تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی ... (منصور ساعی) ۲۳۳

اجتماعی و سیاسی به خانواده» و «مبارزه والدین برای جبران ناکارآمدی نهادهای بیرونی» است. در نتیجه فشارهای اقتصادی و اجتماعی متعدد حاکم بر خانواده، کمیت و کیفیت و فرصت های تعامل با فرزندان به دلیل اشتغال حداکثری والدین برای تامین هزینه های اقتصادی و رفاهی و معیشت در کلان شهرها کاهش می یابد و به دلیل ناکارآمدی و کژکارکردی نهادهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی مسئولیت سنگین جبران ناکارآمدی ها در تمام حوزه های رفاهی، فراغتی، مهارتی، آموزشی، سلامت و ازدواج و دغدغه یافتن کار به دوش افتاده است. در واقع به دلیل ضعف کارکرد نهادهایی جامعه پذیری مدرن نظیر دولت، شهر، نظام آموزشی و دانشگاهی، رسانه و نظایر آن، خانواده هسته ای ایرانی علاوه بر تامین نیازهای مادی جبران این نقصان ها و کوتاهی ها، وظیفه امیدبخشی و تقویت انگیزه و مهارت های زندگی را هم برعهده گرفته است. برای نمونه به دلیل عملکرد نادرست، نظام آموزشی ایران، به جای تقویت مهارت های زندگی و امیدبخشی و تقویت انگیزه ها و آموزش کارآمد و خلاق برای حل مساله، با تحمیل مکانیزم کنکور و کلاس های تقویتی و... به تزیق مستمر تنش و استرس به خانواده می پردازد و آنها را روان رنجور و افسرده می کند. همچنین به دلیل معیوب بودن نظام آموزش دانشگاهی و نظام تولید کار و اشتغال، ماندگاری فرزندان جوان بیکار و ازدواج نکرده طولانی شده و همه این عوامل علاوه بر اینکه مختل کننده فرصت تعاملات و گفتگوی بین نسلی هستند، به تنش و سرخوردگی بین نسلی ناشی از ناتوانی والدین در پاسخگویی به فوران نیازهای فزاینده فرزندان و شکل گیری کنش های پرخاشگرانه می انجامد تا کنش های ارتباطی محور.

۲.۱.۷ کاهش فراغت جمعی خانواده محور و فضای مشترک خانواده

اختلال در فرصت تعامل و گفتگو تنها معلول شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر خانواده نیست و بلکه ناشی از «کاهش فراغت جمعی خانواده محور» است که این امر نتیجه عوامل متعددی نظیر «کاهش دوره می ها و گردهمایی و فراغت مشترک والدین و فرزندان»، «توسعه فراغت شخصی شده رسانه محور والدین و فرزندان» و «فقدان معماری و فضای فیزیکی گفتگویی در خانه ایرانی» است.

نتایج حاکیست، گرچه اشتغال روزانه والدین، درگیر شدن فرزندان با امور و تکالیف مدرسه در منزل و سایر فعالیت های فراغتی و مهارتی بیرو از منزل، علایق و سلیقه های متفاوت نسل فرزندان و والدین، ترجیح فرزندان نوجوان برای تعامل و وقت گذرانی با همسالان و دوستان و

وقت گذرانی والدین با دوستان و همسالان خود، بیشترین سهم را در ایجاد اختلال فرصت های ارتباطی وی بین نسلی روزانه والدین و فرزندان آن ایفا می کند. فرصت تعامل شبانه نیز به دلیل خستگی ناشی از کار و حوصله نداشتن والدین برای بحث و گفتگو یا دیرآمدن پدر یا مادر از سرکار ارزش شام نیز به عنوان یک رویداد تعاملی کاهش یافته است. از طرف دیگر گردهمایی های شبانه والدین و فرزندان تحت تاثیر تماشای برنامه های تلویزیونی و سرگرم شدن والدین و فرزندان با موبایل و رسانه های اجتماعی قرار دارد. گرچه مساله دیر برگشتن فرزندان از فعالیت های فراغتی و آموزشی و مهارتی روزانه و مطالعه درسی شبانه فرزندان نیز بر آن مضاف می شود و همه اینها فرصت گفتگو و صحبت والدین و فرزندان کم می کند. همچنین به دلیل عدم برنامه ریزی برای خلق فرصت های ارتباطی خانوادگی و فقدان فضای مناسب و معماری محور در خانه های ایرانی و چیرگی فراغت شخصی و رسانه ای محور به دلیل دسترسی آسان به ابزارها و رسانه های شخصی شده نظیر موبایل از دیگر عوامل کاهنده فرصت گفتگو برشمرد.

۳.۱.۷ از دست رفتن مرجعیت و نقش والدگری والدین

نتایج نشان می دهد یکی دیگر از شرایط علی مختل کننده گفتگوی بین نسلی در خانواده، «از دست رفتن مرجعیت و نقش والدگری والدین» است که ناشی از «کهنه پنداری دانش، تجربه و اطلاعات نسل والدین در میان نسل فرزندان»، «وجود احساس کهنگی اطلاعاتی، باوری و استحاله ارزشی در نسل والدین»، «کنار کشیدن خانواده از فرآیند جامعه پذیری و برون سپاری والدگری» و «هژمونی والد به مثابه کیف پول» است که در نتیجه که آن تعامل و گفتگوی بین نسلی کاهش یافته است. منظور از کهنه پنداری دانش، تجربه و اطلاعات نسل والدین از سوی نسل فرزندان این است که در واقع نسل فرزندان به دلیل دسترسی به رسانه ها و منابع اطلاعاتی و کانال های گوناگون، دانش و تجربه والدین پاسخگوی نیازهای فکری و مسائل و دغدغه های خود نمی داند که نتیجه آن فروپاشی مرجعیت والدین است. از سوی دیگر نسل والدین هم تحت تاثیر تحولات سریع و شتابان فناوری و ظهور ارزش ها و علائق جدید، احساس می کند که اطلاعات و باورها و ترجیحات و تعلقات نسلی او کهنه شده و کارایی و جذابیت ندارد، لذا ارزش به انتقال، اشتراک گذاری و مبادله به نسل جدید را ندارد و لذا وارد گفتگو با نسل فرزندان نمی شود. در عین حال والدین به دلیل زیست در جامعه شهری، رویکرد کنار کشیدن از فرآیند جامعه پذیری و تربیت فرزندان را پیش کشیده و والدگری را به

نهادهای بیرون از خانواده برون سپاری کرده اند. بدین معنا که والدین نقش والدگری خود را صرفاً در والد به مثابه کیف پول خانواده و تامین منابع پولی برای هزینه های اقتصادی و مادی می دانند و نقش های تربیتی و والدگری را به نهادهای بیرون از خانواده یعنی مهدکودک، مدرسه و شهر و رسانه واگذار کرده اند و از مدرسه و نهادهای اجتماعی و فرهنگی علاوه بر آموزش تخصص و سواد، انتظار نقش والدگری، پرورش همه جانبه و تربیت آرمانی و آموزش مهارت های زندگی به فرزندان را دارند.

همچنین یکی از پیامدهای انفعال و کنارکشیدن والدین از والدگری مسئولانه، میدان دادن به کنشگری رسانه و توسعه «والدگری رسانه ای» است. در واقع رسانه به دلیل کاهش حضور و مشارکت والدین در فرآیند والدگری، جای والدین را پر می کند، برای کودکان داستان می گوید، آنها را سرگرم می کند، آموزش مستقیم و غیرمستقیم می دهد، نگرش و رفتار آنها را شکل می دهد. شاید بتوان گفت امروزه بزرگترین مرجع اطلاعاتی فرزندان و شکل دهنده باورها و جهان بینی آنها رسانه ها هستند. از سوی دیگر به دلیل همین برون سپاری والدگری به نهادهای بیرونی (مدرسه و رسانه و...)، زمینه و فرصت پرداختن والدین به لذت های فردی، نیازها و ارزش ها و فراغت فردی نظیر برنامه ریزی زندگی، تفریح، فراغت، دورهمی های دوستانه، مراقبت از بدن و لذت های انفرادی یا دونفره والدین بیشتر شده است. همه این عوامل به کاهش مرجعیت والدین و نقش والدگری والدین و تشدید فاصله ارتباطی نسل والدین و فرزندان انجامیده است.

۴.۱.۷ نامطلوب بودن کیفیت روابط والدین با فرزندان

«نامطلوب بودن کیفیت روابط والدین با فرزندان» یکی دیگر از شرایط علی است که بر ایجاد و توسعه گفتگوی بین نسلی اثر می گذارد که ناشی از «وجود ذهنیت و رفتار اقتدارگرایی در والدین تعامل با فرزندان»، «غیبت روابط افقی در خانواده ایرانی و وجود رویکرد سازمانی به خانواده» و «کاهش روابط همدلانه بین والد و فرزند» است.

نتایج نشان می دهد که وجود ذهنیت و رفتار اقتدارگرایی در والدین تعامل با فرزندان متأثر از زیست نسل والدین در یک فضای والدسالار و وجود رویکرد سلطه محوری به جای تربیت محور در فرآیند جامعه پذیری فرزندان و عدم پذیرش دوسویه جریان اجتماعی شدن و بازجامعه پذیری نسلی است. همچنین نتایج بیانگر این است که دلیل کاهش کیفیت روابط بین والدین و فرزندان، غیبت روابط افقی، روابط برابر، صمیمانه و دموکراتیک و بی بین والدین و

فرزندان و وجود روابط عمودی و رسمی و مذاکره ای مبتنی بر نظام سلسله مراتب مانند یک نظام روابط در یک سازمان است. در روابط عمودی افراد با مذاکره تلاش می کنند که امتیازها را مبادله کنند، در مورد انجام وظایف و عملکرد توضیح بخواهند و در مورد یک موضوع براساس منافع و مضرات آن برای سازمان خانواده تصمیم گیری کنند. یکی دیگر از شاخص های کاهش کیفیت روابط بین نسلی در خانواده، «کاهش روابط همدلانه بین والد و فرزند» است که به کاهش شنیده شدن و دیده شدن و افزایش قضاوت و پیشداوری و سرزنش والدین نسبت به مشکلات و خواسته ها و بیان ها و آرزوها و آمال و احساسات فرزندان می انجامد و این امر خود به کاهش شفافیت های رفتاری، پنهان سازی و عدم خودافشایی و کاهش اعتماد و درددل های درون خانوادگی والدین و فرزندان منجر می شود.

۵.۱.۷ فقدان شناخت و مهارت ارتباطات محور بین والدین و فرزندان

یکی از مهمترین شرایط علی شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده از دیدگاه مشارکت کنندگان در این مطالعه، «فقدان شناخت و مهارت ارتباطات گفتگومحور بین والدین و فرزندان» است که از «عدم شناخت والدین و فرزندان از ماهیت، اصول، ارزش و اهمیت گفتگو»، «فقدان ظرفیت و شایستگی و مهارت ارتباطی و گفتگویی والدین»، «استفاده از ارتباطات کلامی تک گویی و گفتگوی نصیحت گرا و مناظره ای» و «فقدان گفتگوی باز و انتقادی و افتناعی بین والدین و فرزندان»، نشأت می گیرد.

یکی از عوامل تعیین کننده در شکل گیری بین دو فرد، درجه شناخت و آگاهی آنها از مفهوم به عنوان یک مکانیزم و فرآیند مبادله معانی، احساسات علایق و باورها و تجربه ها است. ناآگاهی از ماهیت و اصول و ارزش گفتگو، مانع شکل گیری یک گفتگوی واقعی و ارزش آفرین می شود. پیش شرط گفتگوی درست این است که بدانیم و بپذیریم که اصولاً گفتگو، مهارت زیست در جامعه مدرن و یک فرآیند دوطرفه برابر و باز و مبتنی بر احترام به دیگری و با هدف پذیرش و کشف دیگری است نه تغییر دیگری و سلطه بر دیگری. بر همین اساس یکی از جنبه ها و ابعاد ریشه ای عدم شکل گیری و توسعه گفتگوی بین نسلی از نظر صاحب نظران، «فقدان شایستگی و مهارت ارتباطی و گفتگویی والدین، ارتباطات کلامی و غیرکلامی مثبت، و پرهیز از سرزنش، تحقیر و تقویت تشویق و تایید و تقدیر و احترام کلامی و غیرکلامی، خوش خلق بودن، صبوری، شاد بودن، گوش دادن فعال و همدلانه و ارسال پیام های مثبت و نظایر آن در خانواده است. یکی دیگر از عوامل ایجاد کننده شکاف ارتباطی و

گفتگویی بین نسل ها، «وجود الگوی گفتگوی تک گویی و نصیحت محور والدین با فرزندان» و «فقدان گفتگوی دوسویه برابر، باز و اقناعی بین دو نسل» است. برخی والدین هنگام صحبت کردن با آنها، انتظار دارند که فرزندان تنها شنونده و مجری حرف ها و دستورات شان باشند و کمتر گوش شنوایی برای شنیدن نظرات و انتقادات و تمرکز و توجه به عمق سخنان فرزندان دارند. در واقع والدین با رویکرد تک گویی نصیحت گرایی از بالا و آمرانه و سرزنش آمیز، انتظار تبعیت، پذیرش و اجرای یکجانبه منویات و گفته های خود از سوی فرزندان را دارند. این در حالی است که هنوز بیشترین شکل ارتباطات کلامی والدین و فرزندان، مناظره ای و جدلی است و هنگام صحبت و بحث، والدین در تلاش برای اجبار و تحمیل نظرات، باورها و علایق خود به فرزندان هستند.

۲.۷ مقوله های معطوف به شرایط زمینه ای

شرایط زمینه ای (Context Conditions)، شرایط و عواملی هستند که ناشی از زمینه ها و بستر حاکم بر پدیده هستند و راهبردها و کنش ها نیز از آنها متأثر می شوند. این مقوله ها به شرایط و عوامل زمینه ای که بر شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده ایرانی اشاره دارند. این شرایط زمینه ای در سه دسته شناسایی و طبقه بندی شدند. این سه دسته شامل «جهان بینی و ارزش های متمایز نسل ها»، «اختلال در منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مولد» و «زیست کلان شهری گسست گرا و سکوت گرای ارتباطات در خانواده» هستند که هر کدام از ترکیب مفاهیم و زیرمقوله ها شکل گرفته اند.

جدول (۲) - نتایج کدگذاری باز و محوری مقوله های زمینه ای
شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها

کد باز	کدمحوری/مقوله
شکاف ارتباطی ناشی از تمایز نظام ارزش ها و سبک زندگی نسل ها	جهان بینی و ارزش های متمایز نسل ها
شکاف آرمان ها و جهان بینی نسل والدین و فرزندان	
کاهش سازگاری نسلی بر اثر کوتاه مدت شدن و اعتباری شدن ارزش های نوپدید	
دوگانگی فکری و دمدمی مزاج شدن شخصیت نسل ها (ناشی از تجربه دوران گذار)	اختلال در منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مولد گفتگو
فقدان ثبات و فضای آرام اقتصادی	
وجود یاس و ناامیدی اجتماعی	
وجود بی اعتماد اجتماعی	

۱.۲.۷ جهان بینی و ارزش های متمایز نسل ها

یکی از مقوله های مرتبط با شرایط زمینه ای و بسترهای اجتماعی که بر راهبردهای (کنش و رفتارها) مرتبط با شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها تاثیر می گذارد، «جهان بینی و ارزش های متمایز نسلی» است که دارای چهار بعد مفهومی «شکاف ارتباطی ناشی از تمایز نظام ارزش ها و سبک زندگی نسل ها»، «شکاف آرمان ها و جهان بینی نسل والدین و فرزندان» و «کاهش سازگاری نسلی بر اثر کوتاه مدت شدن و اعتباری شدن ارزش های نوپدید» و «دوگانگی فکری و دمدمی مزاج شدن شخصیت نسل ها (ناشی از تجربه دوران گذار)» است.

در واقع می توان گفت که تحت تاثیر تحولات تاریخی و سیاسی و فرهنگی و فناورانه، نظام ارزشها و جهان بینی دو نسل والدین و فرزندان دگرگون شده است و به شکاف و تقابل نگرش ها، آرمان ها و آرزوها و دغدغه ها (آرمان گرایی در برابر لذت گرایی) و سبک زندگی و نحوه گذران اوقات فراغت، مد و پوشش، ذائقه های فرهنگی و مصرف انجامیده است که این شکاف ارزشی و سبک زندگی می تواند به شکاف ارتباطی و تعاملی و ایجاد فاصله اجتماعی بین نسل ها بینجامد. خانواده در هر جامعه ای متاثر از یک ویژگی های کلان جامعه است. جامعه ایرانی یک پا در دوران سنت و یک پا در دوران مدرن دارد. هم دل در گروه گذشته و تعلقات ایرانی دارد و هم ارزش های مدرنی را می خواهد که دیده و لمس کرده است. در واقع خانواده ایرانی هم در یک فضا و ساخت ایدئولوژیک و مذهبی زیست می کند و جامعه پذیر می شود و هم به دلیل مواجهه با پدیده های مدرن و رسانه و تعاملات جهانی، در یک فضای جهانی زیست می کند و متاثر از ارزش ها و خواسته های فرهنگ ایرانی است این دوگانه و چندگانه شدن آبخور هویتی و ارزشی سنت - مدرن، موجب «جای گشتی شدن» یا «نوسانی شدن» فرهنگ، ذهن و رفتار ایرانی شده است. یعنی مدام بین مرز ارزش های دنیای سنت و مدرنیته در پرواز است و تکلیف خود را نمی داند، مشوش و ناآرام است. این پرواز بین سنت - مدرنیته یا فرهنگ غربی و فرهنگ اسلامی، گرچه موجب چندلایه گی و چندگانه شدن و دموکراتیک شدن فرهنگ و ذهن نسل ها (به ویژه نسل والدین) می شود اما چون دائما در مرزهای این ارزشها و فرهنگ ها در حال حرکت و پرواز است گویا دارد در فرودگاه زندگی می کند و یک پایش ماندن و پای دیگرش رفتن است. این موضوع منجر به این موضوع منجر به پیچیدگی شخصیتی و دوگانگی ذهنی - رفتاری و شکل گیری شخصیت های دمدمی

مزاج می شود که مانع شکل گیری یک ارتباط و تعامل قابل پیش بینی بین دو نسل والدین و فرزندان می شود.

۲.۲.۷ اختلال در منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مولد گفتگو

از مهمترین عوامل زمینه ای در ایجاد اختلال در گفتگوی بین نسلی، شرایط و وضعیت نامطلوب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر نهاد خانواده است. بدین سان که گفتگوی بین نسلی در خانواده ایرانی، متأثر از «فقدان ثبات و فضای آرام اقتصادی»، «ناامیدی اجتماعی» و «فقر مصرف فرهنگی خانواده ها» خانواده است. این شرایط و عوامل را می توان منابع زمینه ای مولد و پیشران گفتگو دانست.

یکی از شرایط زمینه ای شکل دهنده شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده، «فقدان ثبات و فضای آرام اقتصادی» است. بدین معنا که فشارهای خردکننده اقتصادی ناشی از ناامنی، بی اطمینانی، بی ثباتی، تورم و بیکاری موجب اختلال در کنش ها، فعالیت ها و برنامه های ارتباطات خانواده و کاهش انگیزه و توان جسمی و روانی برای شکل گیری گفتگوی بین نسلی و موجب بروز کنش های خشونت آمیز و روان پریشی و بحران در ارتباطات انسانی خانواده ها می شود.

«یاس و ناامیدی اجتماعی» به عنوان یک منبع اجتماعی مولد گفتگو از جمله عوامل زمینه ای شکل گیری و توسعه کنش ها و ارتباطات تعاملی بین نسلی برای نیل به شرایط مطلوب و برون رفت از مشکلات و بحران ها در جامعه است. امید اجتماعی را می توان هم محصول فرآیندهای جامعه پذیری (تولیدکننده آرزو، امید و آمال) و هم عملکرد ساختارهای اجتماعی (نهاد قانون، سیاست، عدالت و...) و هم محصول تجربه زیسته فرد در یک محیط اجتماعی در برابر مساله و چالش ها و بحران ها دانست. از دیدگاه صاحب نظران ناامیدی اجتماعی، از یک طرف موجب از دست رفتن عقلانیت جمعی، و رجوع به عقل ابزاری برای حفظ بقای خویشتن و شکل گیری امیدفردمحورانه و خودخواهانه برای نجات خویشتن بدون اتکا و بدون نیاز به همکاری و مشارکت دیگری و بدون توجه به حقوق و ارزش های دیگران می شود که نتیجه آن تشدید فاصله نسلی و کاهش همکاری و تلاش بین نسلی برای مدیریت مساله ها و ساختن آینده مشترک می شود و از سوی دیگر توسعه ناامیدی در جامعه موجب لبریز شدن صبر و تحمل، خستگی روانی و کاهش تاب آوری اجتماعی می شود که در عمل

تعاملات و روابط بین نسلی را به سمت کنش های پرخاشگرانه و خشونت ورزانه و تشدید اختلافات نسلی و عدم تحمل دیگر سوق می دهد.

یکی دیگر از عوامل زمینه ای، «فقر مصرف فرهنگی خانواده ها» است. در واقع مصرف فرهنگی به ویژه مطالعه کتاب و تماشای تئاتر و دیدن فیلم و مصرف موسیقی به عنوان منبع و کارخانه تولیدکننده فکر و ایده و پیام و معنا و گفتگو و تعامل و مشارکت و مبادله فکری عمل می کند. والدین یا فرزندان که زیاد مطالعه می کنند، داستان و کتاب و رمان و تحلیل و تفسیر می خوانند، ذهنی آگاه و فعال و مملو از اطلاعات و ایده و افکار دارند و آمادگی لازم را برای شکل دهی یک بحث جذاب در محیط خانواده دارند و به مبادله افکار و نگرش ها علاقه مند هستند. نسل های دارای مصرف فرهنگی هدفمند و پویا از قدرت خلق پیام و از ظرفیت و فرصت تعامل و گفتگوی بیشتری برخوردارند زیرا موضوع یک کتاب یا فیلم و داستان می تواند بهانه یک بحث و گفتگوی بین آنها شود و به ارائه دیدگاه و نگرش و تحلیل خود از آن موضوعات بپردازند. یعنی موجب شکل گیری یک گفتگوی طولانی شود و این های موضوع محور می تواند به پیوندهای فکری و نگرشی و شناخت جهان ها و دیدگاه های متقابل کمک کند. همچنین مواجهه با اندیشه ها و دیدگاه ها و رویدادها و تجربه هایی مختلف به چکش کاری ذهن منجر شده و از متصلب و یک بعدی و تک آوایی آن می کاهد و به تقویت روحیه تساهل و تسامح و مدارا منجر می شود. این روحیه مدارا به تقویت کیفیت روابط بین نسلی، همدلی و مشارکت می شود.

۳.۷ مقوله های معطوف به شرایط مداخله گر یا میانجی

شرایط مداخله گر (Intervening Conditions)، نیز شرایطی هستند که راهبردها و کنش ها از آنها متأثر می شوند. این شرایط را مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می دهند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می کنند. این مقوله ها، نشانگر شرایط و عوامل میانجی، تسهیل گر یا محدودکننده ای اشاره دارند که بر راهبردها و کنش های مرتبط با شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسلی در خانواده ایرانی اثر می گذارند. پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه با صاحب نظران، این عوامل مداخله گر یا میانجی در دو دسته «به رسمیت نشناختن هویت نسلی فرزندان در جامعه و خانواده» و «حضور قدرت سیاسی در عرصه تولید در جامعه و خانواده» شناسایی شدند که هر کدام از آنها از ترکیب و تلفیق مفاهیم و شاخص های مختلفی بر ساخت شده اند که در ادامه به تشریح هر کدام از آنها پرداخته می شود.

جدول ۴. نتایج کدگذاری باز و محوری مقوله های مداخله گر در زمینه گفتگوی بین نسلی

کدهای باز	کدمحوری/مقوله
نپذیرفتن فرزندان به مثابه دیگری دارای هویت و حقوق مستقل	به رسمیت نشناختن هویت فرزندان در جامعه و خانواده
عدم خودآگاهی والدین از ارزش و حقوق هویت کودکی، نوجوانی و جوانی	
نگاه تملک گونه به فرزند	
کودک پنداری فرزندان نوجوان و جوان	
عدم درک و پذیرش خاص بودگی و یکتایی فرزندان در خانواده	
ناهمنوایی ارزش های دولت سنت گرا و نسل نوگرا	حضور قدرت سیاسی در عرصه تولید گفتگو در جامعه و خانواده
مداخله دولت در نهادهای مولد آرمان، فکر و گفتگو	
مداخله دولت در بازتولید تک گویی در جامعه و خانواده	
فقدان فرهنگ بین نهادهای دولتی، مقامات کارگزاران سیاسی	

۱.۳.۷ به رسمیت نشناختن هویت فرزندان در جامعه و خانواده

«به رسمیت نشناختن هویت فرزندان در جامعه و خانواده» بیانگر یکی از مقولات معطوف به شرایط مداخله گر در ایجاد شکاف گفتگویی بین نسل ها در خانواده است که خود از چند عامل مهم یعنی «نپذیرفتن فرزندان به مثابه دیگری دارای هویت و حقوق مستقل»، «عدم خودآگاهی والدین از ارزش و حقوق هویت کودکی، نوجوانی و جوانی»، «نگاه تملک گونه به فرزند»، «کودک پنداری فرزندان نوجوان و جوان» و «عدم درک و پذیرش خاص بودگی و یکتایی فرزندان در خانواده» تشکیل شده است. پدر و مادر زمانی می توانند با فرزند جوان و نوجوان خودش وارد گفتگو شود که او را به عنوان دیگری با هویت به رسمیت بشناسند. عدم پذیرش حقوق و هویت مستقل برای فرزندان در خانواده ناشی از «عدم خودآگاهی والدین از ارزش و حقوق هویت کودکی، نوجوانی و جوانی» و «نگاه تملک گونه به فرزند» است. از نگاه والدین «فرزند» نه یک هویت و انسان اصیل و مستقل بلکه یک موجود تحت تملک، ارث و سرمایه ای است که باید سرنوشت آنها را دست بگیرند. در چنین نگاه شیئی گونه ای، گفتگو بین والدین و فرزندان شکل نمی گیرد بلکه گفتگو به منظور کنترل و تغییر و مدیریت ذهن و رفتار و جهت دادن به دیگری انجام می شود. اینجاست که به بن بست می خورد.

«کودک پنداری فرزندان نوجوان و جوان» یکی دیگر از عوامل مداخله گر در فرآیند ارتباطات و گفتگوی بین نسل والدین و فرزندان است. وقتی نوجوان یا جوانی از موضع کودکی بیرون می آید و استدلال و انتقاد بالغ گونه ای می کند، والدین آشفته و سراسیمه می

شوند چون آگاهی و آمادگی ذهنی پذیرش تغییر هویت و حقوق فرزندان خود عنوان یک دیگری فهمنده، استدلال گر و انتقادگر ندارند و فکر می کنند که آنها هرچند بزرگتر شده اند اما چون سن کمتر و تجربه زیسته عینی والدین را ندارند، هنوز نیاز به نصیحت و هشدار و تذکر و راهنمایی دارند. طولانی شدن ماندگاری فرزندان در خانواده به دلیل تحصیل و بیکاری، فرآیند استقلال اقتصادی و مالی فرزندان از خانواده را به تاخیر می اندازد. این تاخیر هرچه طولانی تر شود بر نگاه والدین به فرزندان به عنوان انسان های مستقل و توانمند دارای مهارت های زندگی تاثیر منفی می گذارد. این موضوع به کاهش عزت نفس فرزندان و ایجاد تنش در تعاملات و ارتباطات درون خانوادگی والدین و فرزندان می انجامد. «عدم درک و پذیرش خاص بودگی و یکتایی فرزندان در خانواده» نیز از جمله عوامل مداخله گر در شکل گیری شکاف ارتباطی و گفتگویی بین والدین و فرزندان است. این خاص بودگی و یکتایی نسل فرزندان متأثر از تنوع منابع جامعه پذیری، تجربه تحولات اجتماعی و تعاملات محیطی متنوع و عاملیت و خلاقیت آنها است که والدین به دلیل تجربه زیسته متفاوت از فرزندان خود، آگاهی، توانایی و آمادگی درک تفاوت فرزند از خود و درک یکتایی خاص آنها را ندارند و همین امر یک مانع اساسی در مسیر تعامل و گفتگوی بین نسلی است. مهمترین کار والدین برای شکل گیری گفتگو با فرزندان، پذیرش و به رسمیت شناختن آن هویت و خاص بودگی فرزندان و کمک به فرزند برای تحقق که آن اصالت و یکتایی خود است.

۲.۳.۷ حضور قدرت سیاسی در عرصه تولید گفتگو در جامعه و خانواده

یکی از عوامل مرتبط با شرایط مداخله گر در شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده مقوله «حضور قدرت در عرصه تولید در جامعه و خانواده» در جامعه ایرانی است. این امر ناشی از چهار زیر عامل «ناهمنوایی ارزش های دولت سنت گرا و نسل نوگرا»، «مداخله دولت در نهادهای مولد آرمان، فکر و گفتگو» و «مداخله دولت در بازتولید تک گویی در جامعه و خانواده» و «فقدان فرهنگ گفتگو بین نهادهای دولتی، مقامات کارگزاران سیاسی» بر ساخت شده است. نظام سیاسی ما نماینده سنت و ایدئولوژی گذشته نگر است و قوانین و سیاست های اجتماعی و فرهنگی بر پایه سنت و شرع نوشته و ترویج می شود. جریان ارتباطات در یک نظام سنت راهبر و ایدئولوژی گرا، از بالا به پایین، آمرانه و غیریی است. فرمان و دستورالعمل صادر می کند و انتظار بدون پرسش تبعیت دارد. بر برخورد قهری و آمرانه دولت ایدئولوژیک با ارزش ها و هنجارهای نسل های جدید در حوزه باورها و هنجارها و سبک

زندگی دولت به جای استفاده از گفتگو و مدارا با رویکرد قهری و اقتدارگونه با تحولات پوشش و مد و رفتارهای فراغتی و تفریحی آنها خیابان ها و کافه با نسل برخورد می کنند. یکی از مصداق های حضور دولت در حوزه گفتگوی بین نسلی، حمایت دولت از بازتولید و استمرار ساخت و روابط سنتی خانواده که نماد پدرسالاری و ارتباطات عمودی و مونولوگ است زیرا آن را با ارزش ها و ترجیحات و مطلوب ها و ایدئولوژی خود همخوان می بیند و با طرد تحولات مدرنیته و برابری خواهانه و محور به تحکیم روابط سلطه و ارتباطات عمودی سنتی می پردازد. اینجاست که خانواده را به عرصه کشمکش یک رابطه سلطه و مقاومت تبدیل است.

یکی از عوامل مداخله گری که صورت غیرمستقیم بر بغرنج شدن گفتگوی بین نسلی تاثیر می گذارد، «فقدان فرهنگ گفتگو بین نهادها و مقام های دولتی در ایران» است. نهاد دولت تنها بازیگر عرصه حکمرانی در کشور است و دولت و کارگزاران آن نیازی به تعامل، پاسخگویی و تفاهم با سایر بازیگران و ذینفعان یعنی بخش خصوصی، نهادهای مدنی و رسانه ها و شهروندان ندارد. سبک ارتباطات دولت با جامعه آمرانه و عمودی و نه گفتگویی و مذاکره ای. اگر گفتگو را یک فرهنگ و رفتار فرهنگی بدانیم، زمانی که نهادهای سیاسی و اجتماعی، عملکرد گفتگومحور داشته باشند، می توانند آن را به سایر نهادهای اجتماعی نظیر خانواده انتقال دهد. این همان اتمسفر اجتماعی و سیاسی است که آن را به صورت یک فرهنگ در می آورد و این فرهنگ می تواند در خانواده و سایر خرده نظام های اجتماعی سرایت پیدا کند.

یکی دیگر از عوامل مهم تاثیرگذار بر شکاف ارتباط-گفتگویی در خانواده «مداخله دولت در عرصه ها و نهادهای مولد آرمان، فکر و گفتگو» است. در دوران مدرن امروزی، نهادهای فرهنگی و کنشگران عرصه فرهنگ مولد و پردازشگر آرمان و ایده و آرزو هستند و مکانیزم پذیرش یک آرمان و ایده هم گفتگو است. خانواده یکی از میدان های مصرف و مبادله این آرمان ها و ایده ها و آرزوها است. در یک جامعه دموکراتیک مسئولیت تولید آرمان ها به شکل طبیعی روشنفکران، فیلسوفان، پژوهشگران، دانشگاهیان، نویسندگان، ادیبان و شاعران هستند اما در ساختارهای سیاسی غیردموکراتیک و ایدئولوژیکی نظیر ایران این مولدان فرهنگ و آرمان، حذف و به حاشیه رانده شده اند و دولت و سیاست به منبع اصلی تولید و کنترل و پایش آرمان ها تبدیل شده اند. دولت ایدئولوژیک از عرصه تولید فرهنگ و آرمان (دانشگاه و انجمن و حزب و...) و ابزارهای فرهنگی (تریبون ها و رسانه ها) نه برای تولید و ترویج بلکه برای تولید و بازتولید آرمان های خود در قالب موعظه و روضه و نصیحت استفاده می کند نهاد

سیاست، نقش و کارکرد تمام این نهادهای مولد فرهنگ را تصاحب کرده است. منبع تولید آرمان های موجود در کتابهای درسی فرزندان، محتوای برنامه های رسانه ای و بیلبورد و جشنواره، اهل فرهنگ و روشنفکران و انجمن های مدنی نیستند، بلکه نهاد سیاست است.

۴.۷ مقوله های معطوف به راهبردها

منظور از راهبردها (Actions & Interactions)، کنش ها، رفتارها، واقعیت ها و تعاملات هدفداری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله گر و بستر حاکم حاصل می شوند. مهمترین راهبردهای اثرگذار بر شکاف گفتگویی بین نسل والدین و فرزندان شامل «فقدان مکانیزم آموزش و ترویج ارتباطات گفتگومحور»، «عدم توانمندسازی والدین برای درک و پذیرش ارزش ها و جهان زندگی نسل فرزندان» و «فقدان سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی و ارتباطی خانواده محور» هستند.

جدول (۵) - نتایج کدگذاری باز و محوری مقوله
معطوف به راهبردهای شکاف ارتباطی - گفتگویی بین نسل ها

کدهای باز	کدمحوری/مقوله
نبود آموزش رسمی مهارتهای ارتباطی و گفتگو به فرزندان و والدین	فقدان آموزش، ترویج و نهادینه سازی ارتباطات انسانی گفتگو محور
عدم تغییر رویکرد گفتگوی کوتاه گزارش محور مدرسه ای به گفتگوی عمیق فرامدرسه ای در خانواده	
عدم تغییر الگوی آموزش مدرسه ای از آموزش استبدادی تک گویی به آموزش انتقادی گفتگو محور	
عدم ترویج گفتگوی بین نسلی در فرم و محتوای برنامه های ارتباطی و رسانه ای و کمپین ها	
عدم تغییر الگوی ارتباطی و رفتاری رهبران افکار و نخبگان و نهادهای مرجع از تک گویی به گفتگو	
عدم ترویج به عنوان یک راهبرد برنده در تعاملات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی	عدم توانمندسازی والدین برای درک و پذیرش ارزش ها و جهان زندگی نسل فرزندان
نبود مکانیزم درک و پذیرش چندلایگی و پیچیدگی جهان زندگی فرزندان از سوی والدین	
عدم درک ارزش کلمه و مکانیزم برای سازگاری و تداوم زیست نسلی در دنیای شبکه ای شده	
فقدان برنامه جامعه پذیری معکوس والدین و مهاجرت آگاهانه به دنیای شبکه ای	
فقدان سیاست گذاری رسانه و فناوری های ارتباطی به مثابه ظرفیت و مکانیزم گفتگوی بین	

نسلی	
نبود فرآیند تقویت سواد رسانه ای و سواد دیجیتال والدین با هدف جلوگیری از پیری دیجیتال	
نبود سند ملی توسعه ارتباطات و گفتگوی بین نسلی در خانواده	فقدان سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی و ارتباطی خانواده محور
نبود سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی برای ایجاد تعادل بین کار و زندگی خانواده	
نبود حمایت تقویت فرصت ها و برنامه های ارتباطی و فراغتی فعال خانواده محور	

۱.۴.۷ فقدان آموزش و ترویج و نهادینه سازی ارتباطات انسانی گفتگو محور

براساس نتایج حاصل از تحلیل داده ها، می توان گفت از مهمترین راهبردهای و کنش های مرتبط با بغرنج شدن گفتگوی بین نسلی در خانواده، فقدان آموزش ارتباطات محور به نسل ها از طریق نهادهای جامعه پذیری و فرهنگ پذیری نظیر خانواده، نظام آموزشی و رسانه است. در واقع یکی از موانع مهم اثرگذار بری بین نسلی در خانواده، مقوله فقدان مکانیزم آموزش، ترویج و نهادینه سازی است. این مقوله از چند مفهوم «نبود آموزش رسمی مهارتهای ارتباطی و گفتگو به فرزندان و والدین در مدارس»، «عدم تغییر الگوی آموزش مدرسه ای از آموزش استبدادی تک گویانه معلم محور به آموزش انتقادی گفتگو محور» «عدم ترویج گفتگوی بین نسلی در فرم و محتوای برنامه های ارتباطی و رسانه ای و کمپین ها» و «عدم تغییر الگوی ارتباطی و رفتاری افراد و نهادهای مرجع از تک گویی به گفتگو» تشکیل شده است.

یکی از ابعاد مهم شکل گیری شکاف ارتباطی و گفتگوی بین نسلی در خانواده، «فقدان آموزش رسمی مهارتهای ارتباطی و گفتگو به والدین و فرزندان» در مراکز آموزشی نظیر مدارس و دانشگاه ها و فرهنگسراها و سازمان های مردم نهاد است. در واقع یکی از راه های کاهش اختلال و شکاف ارتباطی بین والدین و فرزندان در خانواده تقویت سواد و مهارتهای ارتباطی و گفتگویی والدین و فرزندان است. برجسته ترین کارکرد خانواده یعنی تربیت و جامعه پذیری، بازتولید و درونی کردن و مبادله عقاید، باورها ارزش ها و هنجارها در خانواده از طریق فرآیند ارتباطات و تعاملات میان فردی صورت عینی به خود می گیرد برای تحقق مقوله سواد ارتباطی باید از ظرفیت نظام آموزشی و مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی برای حضور و مشارکت والدین و فرزندان در کلاس ها و کارگاه های کاربردی مشترک بهره گرفت. حضور مشترک دو نسل در یک کارگاه و دوره آموزشی به احساس برابری و سهیم بودن هریک از طرفین ارتباط (والدین و فرزندان) در خلق و ساختن یک تعامل و ارتباط مطلوب، اصلاح رویه

ها و رفتارهای نامطلوب و جبران خطاها و همدلی و همگرایی می انجامد. زیرا تقویت نهاد خانواده از یکسو و پرورش شهروندانی فعال و کنشگر و تاثیرگذاری در زندگی خانوادگی و حرفه ای و اجتماعی در جامعه ایرانی مستلزم تقویت مهارتهای ارتباطات محور مبتنی بر احترام و همدلی و پذیرش تفاوت ها و انتقادگری و انتقادپذیری است.

یکی از راهبردهای منتج از عوامل زمینه ای و مداخله گر در مورد شکاف ارتباطی و گفتگوی بین والدین و فرزندان «عدم تغییر رویکرد گفتگوی کوتاه بازجویانه‌ی مدرسه محور به گفتگوی عمیق و طولانی فرامدرسه‌ای در خانواده» است. در بیشتر خانواده‌ها، «گفتگوی گزارش محور و پرسش و پاسخ والدین با فرزندان در مورد فعالیت‌های آموزشی و درسی فرزندان و اتفاقات مدرسه» وجود دارد. می‌توان این «نوع گفتگوهای بازجویانه و یک‌سویه» در آن یک نفر سوال می‌پرسد و دیگری گزارش می‌کند، تنها منجر به گفتگوی کوتاه، تکراری و غیرعمیق به منظور خیررسانی و اطلاع رسانی در مورد وضعیت و اتفاقات مدرسه شده است.

«عدم تغییر الگوی آموزش مدرسه ای از آموزش استبدادی تک گویانه معلم محور به آموزش انتقادی دموکراتیک و محور» یکی از کنش ها و رفتارهای ناشی از عوامل زمینه ای و مداخله گر در شکل گیری شکاف ارتباطی و گفتگویی فرزندان و والدین است. این تغییر شامل سبک آموزش و رفتار معلم و هم محتوای آموزشی و هم فضا و چیدمان آموزشی است که باید محور و مشارکتی و برابر باشد تا بتواند به شیوه ارجح تعامل در عرصه خانوادگی و اجتماعی و زمینه ای برای توسعه فکری و خلاقیت و شکوفایی نسلی تبدیل شود. ارتباطات گفتگو محور به فرد اعتماد به نفس خودبیانگری، خوداظهاری و بیان باورها و خواسته ها و پرسش کردن و نقد کردن در خانواده و جامعه را می آموزد. اما ارتباطات تک گویی و یکطرفه فرد را منفعل و ترسو گوشه گیر و منزوی بار می آورد.

رسانه یکی از ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم آموزشی است و در گفتمان سازی و آموزش کنش های محور در خانواده می تواند اثر بسزایی داشته باشد. لذا «عدم ترویج گفتگوی بین نسلی در فرم و محتوای برنامه های ارتباطی و رسانه ای و کمپین ها» به ویژه در رسانه های جمعی و اجتماعی فراگیر راهبرد و کنش مهم در ایجاد شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسلی است. به عبارتی تقویت ارتباطات و گفتگوی بین نسلی در نهاد خانواده از طریق برنامه های بین نسلی در خانواده، مدرسه و جامعه باید در اولویت قرار گیرد. در بین رسانه های جمعی، تلویزیون به دلیل پخش برنامه های متنوع در گسترده ملی، با کمک محتوای غیرخبری و فراغت محوری نظیر درام ها و سریال ها و فیلم های داستانی می تواند به طرح و داستان

پردازای آگاهانه با محورگفتگوی بین نسلی با هدف ایجاد شناخت و آموزش و ترغیب کنش ها و ارتباطات محور و تعامل صحیح بین والدین و فرزندان در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی و مشورت و رایزنی به اشتراک گذاری تجربه ها و باورها و آرمان ها پردازد. با توجه به ضریب نفوذ بالای رسانه های اجتماعی و فضاهای رسانه ای شهری و محیطی می توان از ظرفیت آنها برای تولید و توزیع محتوای هدفمند آموزشی و برگزاری کمپین های ارتباطی و رسانه ای گسترده مرتبط با گفتگو بین نسلی بهره گرفت.

کنش ها و رفتارهای ارتباطی نهادها و رهبران افکار، افراد و گروه های مرجع در جامعه در حوزه های سیاسی، دینی و اجتماعی و فرهنگی، به دلیل جایگاه و اعتبار و محویت و نفوذ اجتماعی شان، بر سبک زندگی، کنش های ارتباطی و رفتاری مردم و ترغیب آنها برای در پیش گرفتن الگوی رفتاری خود تاثیر می گذارد. همچنین کمیت و کیفیت گفتگوی بین مقام ها و نهادهای سیاسی و اجتماعی جامعه فضای را در جامعه تشویق می کند. بر همین اساس «عدم تغییر الگوی ارتباطی و رفتاری افراد و نهادهای مرجع از تک گویی به گفتگو» به مثابه یک راهبرد، به شکاف ارتباطی و گفتگوی بین والدین و فرزندان دامن زده است. یکی از راهکارهای ترویج و تشویق گفتگو در جامعه «ترویج گفتگو به عنوان یک راهبرد ارتباطی برنده در تعاملات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی» است. یکی از چالش های نظام فرهنگی و تربیتی و سیاسی جامعه ایرانی این است که گفتگو را به عنوان یک راهبرد رفتاری موفق و برنده به نسل ها القا نمی کند. اتفاقا به ما یاد می دهد که هر کسی اهل گفتگو است، بازنده است.

۲.۴.۷ عدم توانمندسازی والدین برای درک و پذیرش ارزش ها و جهان زندگی

نسل فرزندان

امروزه همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی نسل های جامعه و ارتباطات و تعاملات آنها تحت تاثیر ظهور و توسعه فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی و جهان رسانه ای شده و شبکه ای قرار گرفته است. یکی از کنش های مهم در شکل گیر اختلال و شکاف ارتباطی بین نسل والدین و فرزندان «عدم توانمندسازی والدین برای درک و پذیرش ارزش ها و جهان زندگی نسل فرزندان» است. در واقع باید اذعان کرد که برای کنشگری فعال و اثرگذار و برقرای تعاملات مطلوب و ارزش آفرین بین نسلی در جامعه نوین، باید با شناخت و درک ماهیت، الزامات و قواعد، تهدیدها و فرصت های جامعه شبکه ای و دیجیتال، تا هم فرآیند گذار و مهاجرت نسلی به ویژه نسل والدین (به دلیل تجربه و زیست در دنیای سنت) به دنیای نوین به صورت آگاهانه

و هدفمند طی شود و هم نسل والدین بتواند در دنیای جدید با تغییرات سبک زندگی، کمیت و کیفیت کنش ها و فعالیت ها، ظرفیت ها و تاثیرات سازگار شوند و در میدان و فضای مشترک ارتباطات و تعاملی نوین با نسل جدید فعالانه حضور یابند و مشارکت کنند.

عدم توانمندسازی نسل والدین به «عدم درک و پذیرش چندلایگی و پیچیدگی جهان زندگی فرزندان»، «عدم درک ارزش کلمه و مکانیزم برای سازگاری و تداوم زیست نسلی در دنیای شبکه ای شده» «نبود فرآیند جامعه پذیری معکوس و مهاجرت آگاهانه به دنیای شبکه ای»، «نبود سیاست گذاری رسانه و فناوری های ارتباطی به مثابه ظرفیت و مکانیزم گفتگوی بین نسلی» و «وجود پیری دیجیتال و ناتوانی از سازگاری و بهره گیری از ظرفیت های ارتباطی رسانه های دیجیتال» منجر می شود

تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها نشان داد که از مقوله های مهم ناظر به راهبردها و کنش های شکل گیری شکاف ارتباطی، «عدم درک و پذیرش چندلایگی و پیچیدگی جهان زندگی فرزندان از سوی والدین» است. جهان زندگی نسل های کنونی با نسل والدین متفاوت است. نسل جدید در یک دوره و جهانی مملو از تغییرات اجتماعی و تحولات فناورانه و دنیای رسانه ای و دوره فراوانی مبادله اطلاعات و دانش و باورها شده متولد شده و مراحل رشد و بلوغ را طی کرده است که متفاوت از دوره و جهان زندگی والدین بوده است. والدین هنوز جهان زندگی فرزندان خود را به رسمیت نمی شناسند و برای آن اعتباری قائل نیستند و آگاهانه نمی توانند وارد با آنها شود. پدر و مادر باید بپذیرند که فرزندانش تحت فضا و جهان های مختلف رشد می کنند

جامعه پذیری یکی از کارکردهای مهم خانواده است و فرآیندی است که انسانها از طریق آن، شیوه های زیست، هنجارها و ارزش ها و فعالیت و کنشگری در جامعه شان را یاد می گیرند. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهد که «نبود فرآیند جامعه پذیری معکوس والدین و مهاجرت آگاهانه به دنیای شبکه ای» یکی از مولفه های مهم در ایجاد تغییر نگرش و قدرت سازگاری نسل والدین با سیر شتابان دنیای جدید و کاهش پیری دیجیتال و افزایش مهارت ها و توانایی استفاده از رسانه ها و فناوری ها ارتباطات و تعاملات زندگی است. جامعه پذیری معکوس و مهاجرت دیجیتال به جامعه شبکه ای والدین هم می تواند با سیاست گذاری و برنامه های هدفمند آموزشی از سوی نهادهای سیاستگذار انجام شود و هم می تواند توسط نسل فرزندان صورت گیرد که به دلیل اجتماعی شدن و زیست کامل در یک محیط فناوری محور و رسانه ای شده، سواد و مهارت بیشتری در استفاده و کاربری فناوری های ارتباطی نسبت به

نسل والدین برای پیشبرد امورات و نیازهای زندگی خود دارند. یکی از فرصت های مهم برای شکل گیری گفتگوی بین نسلی این است که فرزندان شیوه کار با فناوری را به والدین خود بیاموزند. این کار آنها را به هم نزدیک می کند و پیوندهای نسلی را تقویت می کند. این رویکرد از هراس نسل والدین از فناوری می کاهد به مهاجرت آگاهانه و به آگاهی از مزیت های کاربردی و محتوایی و سرگرمی محور آن منجر می شود.

همچنین والدین کمتر اهمیت استفاده از فناوری های ارتباطی و رسانه های اجتماعی آنلاین را درک می کنند. این در حالی است که حضو و کنش در این دنیا به بخشی مهمی از ضرورت ها و نیازهای والدین و فرزندان تبدیل شده است. این امر ناشی از فقر سواد رسانه ای و سواد دیجیتال والدین است. به منظور حضور و کنشگری فعال والدین در دنیای آنلاین و تعاملی و برقراری ارتباطات مطلوب با فرزندان باید «تقویت سواد رسانه ای و سواد دیجیتال والدین با هدف جلوگیری از پیری دیجیتال» در دستور کار سیاستگذاران قرار گیرد

۳.۴.۷ فقدان سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی و ارتباطی خانواده محور

از دید صاحب نظران، یکی از راهبردها و رفتارهای موثر در ایجاد شکاف گفتگویی بین نسل ها، «فقدان سیاستگذاری اقتصادی و اجتماعی و ارتباطی خانواده محور» در راستای تسهیل تعامل و گفتگوی بین نسلی در کشورهای دارای شکاف ها و گسست های نسلی نظیر ایران است. این سیاستگذاری ها می تواند در سه بخش «نبود سند ملی توسعه ارتباطات و گفتگوی بین نسلی در خانواده»، «فقدان سیاستگذاری اجتماعی برای متعادل سازی شرایط کار و زندگی خانواده» و «عدم سیاستگذاری برای تقویت فرصت ها و برنامه های ارتباطی و فراغتی خانواده محور» خود را نشان دهد.

«سند ملی توسعه ارتباطات و گفتگوی بین نسلی در خانواده» می تواند به ایجاد یک دغدغه ملی فراگیر و الزام آور و شکل گیری برنامه های هماهنگ و کلان بین نهادی برای نیل به گفتگوی بین نسلی منجر می شود اما چنین سندی در کشور وجود ندارد. در این سند بالادستی علاوه بر ایجاد یک هماهنگی نهادی بین متولیان امور خانواده برای ایجاد زمینه ها و شرایط اقتصادی و اجتماعی مطلوب شکل گیری و توسعه ارتباطات محور، بتواند هم حمایت و نهادینه سازی به درک و پذیرش رسمی جایگاه و ارزش در خانواده در سطح ملی، تدوین الگوی تربیتی رمحور در خانواده، پذیرش هویت نسلی متفاوت فرزندان در خانواده و جامعه و

ضرورت اقناع و گفتگوی بین نسلی، تقویت خودآگاهی والدین و ایفای والدگری مسئولانه بین والدین و تقویت زمینه های تعامل و همزیستی و مشارکت بین نسلی منجر می شود. یکی دیگر از راهبردهای ناشی از عوامل زمینه ای و مداخله گر در زمینه شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها، «نبود سیاستگذاری اجتماعی برای متعادل سازی شرایط کار و زندگی خانواده» است. در واقع تعادل کار و زندگی را می توان تعادل در زمان صرف شده، درگیری و سطح رضایت از نقش های مختلف کاری و خانوادگی و اجتماعی توصیف کرد. عدم توازن و تعادل در زمان صرف شده برای کار و زندگی به کاهش فرصت تعامل و ارتباطات اعضای خانواده، کاهش ملاقات و با هم بودن اعضای خانواده، از هم پاشیدن نظم زندگی، افزایش فاصله عاطفی والدین و فرزندان، افزایش احساس تنهایی، افزایش استرس، کاهش حمایت های خانواده از فرزندان، کاهش همبستگی خانوادگی، تقویت زمینه های تعارض و تنش های خانوادگی و در مجموعه کاهش استانداردها و کیفیت زندگی در خانواده می شود.

«نبود سیاست گذاری جامع برای رهایی خانواده از فشار و منگنه ناشی از ناکارآمدی نهادهای بیرونی» یکی از کنش ها و راهبردهای معطوف به اختلال و شکاف ارتباطی بین نسلی در خانواده است. در واقع خانواده ایرانی در حال حاضر به «ضربه گیر» فشارها و بحران و ناکارآمدی نهادهای آموزشی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده است. خانواده برای جبران ناکارآمدی نظام آموزشی و بحران کیفیت مهارت های مدرسه مجبور است، بهترین اوقات فراغت نسل فرزندان را درگیر دوره های مختلف آموزشی و کنکوری و نظایر آن کند که هم هزینه های زیادی را بر خانواده تحمیل می کند و والدین را وادار می کند برای تامین هزینه های زیادی ساعته ای بیشتری را به کار و اشتغال اختصاص بدهند. اختلال و ناکارآمدی نهادها آموزشی هم زمان و فرصت تعاملات و ارتباطات بین نسلی والدین و فرزندان را به سرقت می برد و هم استرس و فشار روانی و نگرانی را بر هر دو نسل تحمیل می کند و هم فرصت توسعه فردی نسل ها را برای لذت بردن از فراغت فعال و یادگیری هنر و مهارتهای زندگی و فراغت های جمعی متشکر با والدین باز می دارد. خانواده همچنین به دلیل ناکارآمدی نهادهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به تنهایی وظیفه امیدآفرینی و تاب آوری اجتماعی و کارایی و کارآفرینی برای نسل فرزندان را برعهده گرفته است. این امر به سریز شدن مسائل و مشکلات اجتماعی به نهادی به نام خانواده منجر می شود که نقشی در به وجود آمدن آن

نداشته است اما فشار و استرس و بحران‌ها و راه حل آن مشکلات آن به خانواده منتقل شده و به تنش‌های بین نسلی منجر شده است.

۵.۷ مقوله‌های معطوف به پیامدهای گفتگوی بین نسلی

مقوله‌های پیامدی، نتیجه و حاصل راهبردها در مواجهه با پدیده محوری یعنی شکل‌گیری و توسعه شکاف ارتباطی و گفتگویی در خانواده ارائه می‌دهند. پیامدها در سه دسته «عدم تحقق و تقویت خانواده مدنی گفتگو محور»، «کاهش کارایی و بهره‌وری بین نسلی» و «کاهش همدلی و مشارکت بین نسلی برای ساختن حال و آینده مشترک» تشکیل شده است.

جدول (۶). نتایج کدگذاری باز و محوری مقوله‌های پیامدی شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسلی

کدهای باز	کدمحوری/مقوله
کاهش مهارت‌ها و توانمندی‌های ارتباطات محور بین نسل‌ها	عدم تحقق و تقویت خانواده مدنی گفتگو محور
تقویت الگوی ارتباطات عمودی پدرسالاری و والدسالاری سستی	
فقدان پذیرش و احترام به تمایزها و مدارای بین نسلی	
کاهش مبادله آزادانه و برابر دیدگاه‌ها و انتقادها	
کاهش توانایی کشف و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های فرزندان	کاهش کارایی و بهره‌وری و سلامت بین نسلی
فقدان احساس دیده شدن و پذیرفته شدن در فرزندان	
کاهش احساس ارزشمندی و مفید بودن و اثربخشی نسل فرزندان	
کاهش احساس خشنودی و لذت بردن و نشاط از همکاری و همراهی با والدین	
عدم قدرت و فرصت حل مشکلات و تعارضات و مقابله صحیح با بحران‌ها	
کاهش مسئولیت‌پذیری و انجام درست وظایف و نقش‌ها	فقدان همکاری و مشارکت بین نسلی برای ساختن حال و آینده مشترک
کاهش توانایی پذیرش تغییرات و نوآوری‌ها	
افزایش شکاف‌های ارزشی و هنجاری بین نسلی	
کاهش همگرایی، همزیستی و همکاری بین نسلی	
عدم درک مشترک از موضوعات مساله محور جامعه	
کاهش بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها و انرژی‌های نسلی برای توسعه ملی	

۱.۵.۷ عدم تحقق و تقویت خانواده مدنی گفتگو محور

از دیدگاه صاحب نظران یکی از مهمترین پیامدهای ناشی از راهبردها و کنش های معطوف به شکاف ارتباطی و گفتگوی بین نسلی «عدم تقویت خانواده مدنی گفتگو محور» است. خانواده مدنی پیامد «کاهش مهارت ها و توانمندی های گفتگویی والدین و فرزندان»، «تقویت الگوی ارتباطات عمودی پدرسالاری و والدسالاری سنتی»، «عدم پذیرش و احترام به تمایزها و مدارای بین نسلی» و «کاهش مبادله آزادانه و برابر دیدگاه ها و انتقادات» همراه است. مهمترین ویژگی های یک خانواده مدنی، برقراری یک ارتباطات انسانی تعاملی کلامی و غیرکلامی درست، پذیرش دیگری، کشف دیگری، احترام به دیدگاه های متفاوت دیگری، گوش دادن فعال و همدلانه، تعلیق قضاوت و پیشداوری و سرزنش، پرهیز از تک گویی و رفتارهای آمرانه و تشویق پرسشگری و پذیرش حق انتقاد و نظر برای دیگری، بالابردن ظرفیت تحمل و روحیه مدارا و درک مشترک است. ظهور شکل گیری خانواده مدنی هم ریشه در تحولات اجتماعی و فرهنگی مدرنیته و برجسته شدن و به رسمیت شناخته شدن ارزش ها، حقوق و آزادی ها و انتخاب ها فردی دارد هم محصول دموکراتیک شدن تدریجی ساختارهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی در جوامع است. خانواده مدنی به عنوان یک خرده نظام اجتماعی هم از ساختارهای بیرونی متأثر است و هم به عنوان یک پیشران در دموکراتیک کردن جامعه است. اگر این الگوهای ارتباطی با تغییرات سایر ساختارهای جامعه همگام و همخوان باشند، می توانند نقش آفرینی جدی در تغییرات اجتماعی ایفا کنند. بر همین اساس یکی از نتایج مهم شکل گیری و توسعه خانواده های مدنی محور در جامعه ایران همانند سایر جوامع مدرن، دموکراتیک شدن ساختارهای مختلف جامعه و جلوگیری از عصیان و شورش های نسل جدید است.

۲.۵.۷ کاهش کارایی و بهره وری نسلی در خانواده

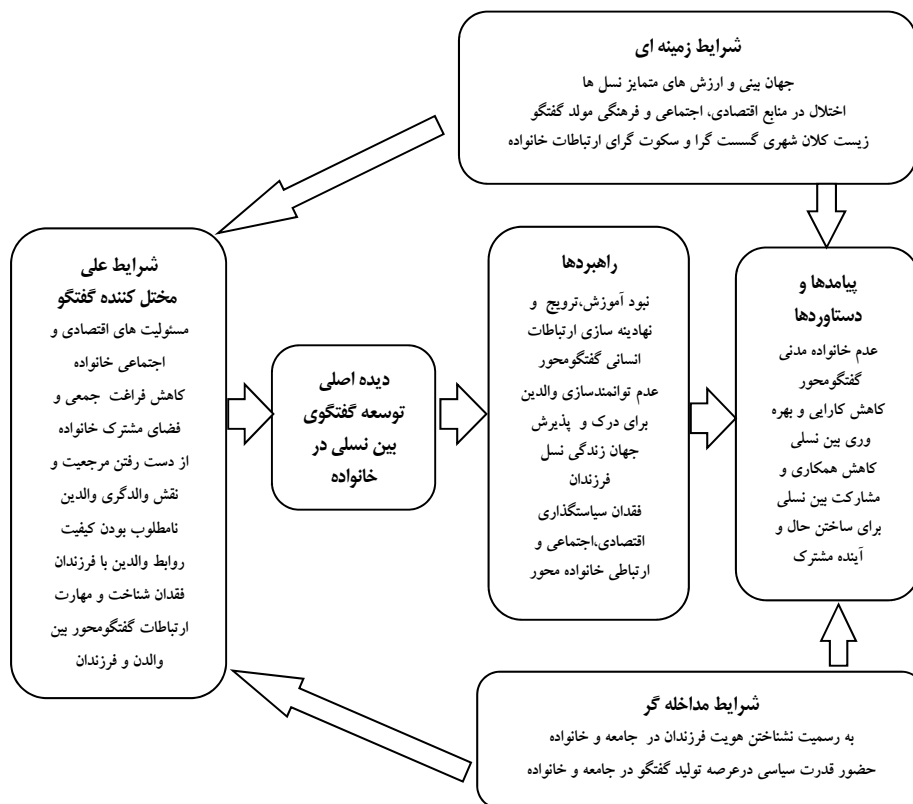
از منظر صاحب نظران، یکی دیگر از مهمترین پیامدهای شکاف ارتباطی و گفتگویی در خانواده، «کاهش کارایی و بهره وری بین نسلی در خانواده» است. بدین معنا که نهادینه نشدن ارتباطات محور در خانواده، می تواند به «کاهش توانایی کشف و شکوفایی استعدادها و خلاقیت های فرزندان»، «احساس دیده نشدن و پذیرفته شدن»، «کاهش احساس ارزشمندی و مفید بودن و اثربخشی نسل فرزندان»، «احساس ناخشنودی و لذت نبردن فرزندان از همکاری و همراهی با والدین»، «کاهش قدرت و فرصت حل مشکلات و تعارضات و مقابله صحیح با بحران ها»، «کاهش مسئولیت پذیری و انجام درست وظایف و نقش ها»، «کاهش توانایی

پذیرش تغییرات و نوآوری ها» در خانواده منجر شود که این گروه مفاهیم تحت عنوان «کاهش کارایی و بهره وری نسلی در خانواده» دسته بندی شدند.

۳.۵.۷ همدلی و مشارکت بین نسلی برای ساختن حال و آینده مشترک

ملموس ترین پیامد شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل والدین و فرزندان از دیدگاه صاحب نظران، «کاهش همدلی و مشارکت بین نسلی برای ساختن حال و آینده مشترک» است. در واقع گفتگوی بین نسلی به «کاهش شکاف های ارزشی و هنجاری بین نسلی» و «کاهش همگرایی، همزیستی و همکاری بین نسلی»، «عدم درک مشترک از موضوعات مساله محور جامعه»، «تبدیل دانش و تجربه به فناوری و ثروت ملی» و «بهره گیری از تمام ظرفیت ها و انرژی های نسلی برای توسعه ملی» است. در واقع جوامع در حال گذاری چون ایران برای نیل به پایداری و کاستن از پیامد شکاف های مختلف اطلاعاتی، ارزشی و هنجاری، نیازمند تعامل، و ارتباطات میان فردی مطلوب بین والدین و فرزندان هستند. این گفتگو، تعامل و همکاری موجب می شود تا هم سنت های اجتماعی نسل گذشته بازتولید شود و هم نقش و جایگاه نسل جدید در بر ساختن فرهنگ و جامعه جدید به رسمیت شناخته شود.

با کنار هم چیدن مفاهیم و مقوله های به دست آمده از پژوهش و برقراری روابط بین آنها با محوریت مقوله مرکزی، می توان مدل پارادایمی نشان دهنده عوامل بازدارنده و پیشران گفتگوی بین نسلی را ترسیم کرد. در این مدل پارادایمی شامل شش بعد یعنی پدیده یا مقوله محوری، شرایط و عوامل علی، زمینه ای و مداخله گر در ایجاد شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده، راهبردها و کنش های ناشی از عوامل زمینه ای و مداخله گر و پیامدهای شکاف گفتگویی آمده است. این مدل به دو صورت داستانی و مدل تصویری ارائه می شود.



مدل پارادایمی عوامل و پیامد شکل دهنده شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسلی

۸. نتیجه گیری

یکی از ابعاد شکاف ارزشی و نگرشی و هنجاری بین نسلی، پدیده شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل فرزندان و والدین در خانواده است. هدف مطالعه حاضر تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی بین نسلی در خانواده ایرانی بود. با بهره گیری از روش کیفی و رویکرد گراندد تئوری با ۲۰ نفر از پژوهشگران و مطالعات نسلی در ایران مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند انجام شد. براساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین، مقوله ها استخراج، تحلیل و ترسیم شدند. نتایج پژوهش نشان می دهد که بفرنج شدن گفتگوی بین نسلی و وجود شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل ها در خانواده محصول برهمکنش عوامل مختلف درون خانوادگی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و رسانه ای و نظایر آن است.

شکل گیری شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسلی در خانواده از یک سو تحت تاثیر عوامل بازدارنده برون خانوادگی یعنی شرایط و تحولات تاریخی و اجتماعی و سیاسی جامعه ایران از جمله «جهان بینی و ارزش های متمایز نسل ها»، «اختلال در منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مولد»، «زیست کلان شهری گسست گرا و سکوت گرای ارتباطات در خانواده»، «به رسمیت نشناختن هویت نسلی فرزندان در جامعه و خانواده»، «دخاله قدرت سیاسی در عرصه تولید در جامعه و خانواده» است و از سوی دیگر متاثر از شرایط و عوامل بازدارنده درون خانوادگی نظیر «مسئولیت های سنگین اقتصادی و اجتماعی خانواده»، «کاهش فراغت جمعی و فضای مشترک خانواده»، «از دست رفتن مرجعیت و نقش والدگری والدین»، «نامطلوب بودن کیفیت روابط والدین با فرزندان» و «فقدان شناخت و مهارت ارتباطات محور بین والدین و فرزندان» است.

راهبرد و کنش های منتج از عوامل زمینه ای و مداخله گر شکل دهنده شکاف گفتگویی بین نسلی در خانواده یعنی «فقدان آموزش، ترویج و نهادینه سازی ارتباطات انسانی محور» و «عدم توانمندسازی والدین برای درک و پذیرش جهان زندگی نسل فرزندان» و «فقدان سیاستگذاری اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی خانواده محور» هستند. با در نظر گرفتن تمام شرایط و عوامل علی، زمینه ای و مداخله گر، با توجه به راهبردهای معطوف به شکاف ارتباطی و گفتگویی نسلی می توان گفت که مهمترین پیامدها شامل «شکل نگرفتن خانواده مدنی گفتگو محور»، «کاهش کارایی و بهره وری و سلامت بین نسلی» و «کاهش همدلی و مشارکت بین نسلی برای ساختن حال و آینده مشترک» خواهد بود.

کتابنامه

- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). جامعه شناسی نسلی در ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). فرایند تغییر نسلی، بررسی فراتحلیلی در ایران. دوفصلنامه جوانان و مناسبات نسلی، ش ۱.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۴). رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی. مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران. تهران: انجمن جامعه شناسی ایران.
- ایمانی، محسن و شرفی، محمود (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه گفتگوی مراحل سه گانه تحول فکری مارتین بوبر. فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، پیاپی ۳۰.

- بی من، ویلیام. ا. (۱۳۸۷). زبان، منزلت و قدرت در ایران، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران: نشر نی.
- بوبر، مارتین (۱۳۸۰). من و تو. ترجمه ابوتراب شهراب و الهام عطاردی، تهران: فرزانه.
- بوهم، دیوید (۱۳۸۱). درباره دیالوگ. ترجمه محمدعلی حسین نژاد. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی
- حریری، نجلا وزمانی راد، نسترن (۱۳۹۱). شکاف دیجیتالی بین نسل ها از نظر آشنایی، علاقه و استفاده از فناوری های اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه علمی پژوهشی پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۲۸ شماره ۱، پاییز.
- خانیک، هادی؛ ذکایی، محمدسعید و نوری راد، فاطمه (۱۳۹۴). واکاوی الگوی گفتگوی کندکاو در ارتباطات انسانی؛ مطالعه دیدگاه های صاحب نظران حوزه جامعه شناسی و ارتباطات و تعلیم و تربیت در خصوص کاربرد آموزشی این الگو. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال یازدهم. شماره ۴۱. زمستان.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۵). مطالعات کودکی: مفاهیم، رویکردها و مسائل محوری، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال سیزدهم. شماره ۴۶. بهار ۱۳۹۶.
- ساروخانی، باقر و صدقاتی فرد، مجتبی (۱۳۸۸). شکاف نسلی در خانواده ایرانی: دیدگاه ها و بینش ها، نامه علوم اجتماعی، سال ۳، شماره ۴.
- ساعی، منصور (۱۳۹۸). الگوهای ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان در برخی خانواده های تهرانی. گزارش طرح پژوهشی منتشر نشده. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۹۲). مؤلفه ها و عوامل گسست نسل ها [مجموعه مقالات]، نگاهی به پدیده گسست نسل ها. به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست فرهنگی. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- منصور نژاد، محمد (۱۳۸۲). شکاف و گفتگوی نسل ها با تاکید بر ایران. در کتاب نگاهی به پدیده گسست نسل ها، به اهتمام علیاکبر علیخانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- منصوری، صابر؛ نیلی احمدآبادی محمدرضا؛ فردانش، هاشم؛ دلارو، علی؛ امیر تیموری، محمدحسن (۱۳۹۵). تدوین و اعتبار یابی الگوی طراحی آموزشی مبتنی بر گفت و شنود. فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، سال چهارم شماره اول.
- مید، ماگارت (۱۳۸۵). فرهنگ و تعهد؛ پژوهشی درباره شکاف نسل ها، ترجمه عبدالعلی دستغیب. شیراز: نوید شیراز.

تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی ... (منصور ساعی) ۲۵۷

- نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۷). باختین، مندی و چندصدایی (مطالعه پیش‌ساینامنتیت باختینی). پژوهشنامه گفتگوی علوم انسانی، شماره گفتگوی ۵۷، بهار.
- نوابخش، مهرداد و فتحی، سروش (۱۳۹۰). شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان، مجله پژوهش دینی، سال ۱۳۹۰، دوره شماره ۲۲.
- نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۴). اصول و مبانی گفتگو روش شناخت و آموزش. اصفهان: آموخته.
- وحید، فریدون و نیای، محسن (۱۳۸۳). تاملی در مورد رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۳ (پیاپی ۲۳).
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). جهانی شدن و آینده دموکراسی: منظومه پساملی. ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر مرکز.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر موسسه روزنامه ایران
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها: بررسی نظری و تجربی. تهران: مرکز مطالعات جوانان و مناسبات نسلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

- Adamkova, T and Dankova, V (2014). Communication as an intergenerational Barrier. presented in 4th International Interdisciplinary Scientific Conference SOCIETY, HEALTH, WELFARE. Available at: <https://doi.org/10.1051/shsconf/20141000002>
- Baxter, L. A. (2007). Problematizing the problem in communication: A dialogic perspective. *Communication Monographs*, 74.
- Ferreira, Carolina Kustel; Massi, Giselle Aparecida Athayde; Guarinello Correio, Ana cristina and Mendes, Juliana (2015). Intergenerational dialogue meetings: points of view from youths and the elderly. available at: <https://revistas.pucsp.br/dic/article/view/20409/16982>
- Herzig, M., & Chasin, L. (2006). *Fostering dialogue across divides: A nuts and bolts guide from the Public Conversations Project*. Watertown, MA: Public Conversations Project.
- Koerner, A. F. & Fitzpatrick, A. M. (2002). Toward a Theory of Family Communication. *communication theory* Volume 12, Issue 1 February 2002, Pages 70-91.
- MacCallum, Judith; Palmer, David; Wright, Peter; Cumming-Potvin, Wendy; Brooker, Miriam and Tero, Cameron (2010) Australian Perspectives: Community Building Through Intergenerational Exchange Programs, *Journal of Intergenerational Relationships*, 8:2, 113-127, DOI: 10.1080/15350771003741899
- Morrow, R., Rodriguez, A. and King, N. (2015). Colaizzi's descriptive phenomenological method. *The Psychologist*, 28 (8), 643-644
- Raycheva, L., Velinova, N.: Reappraising the intellectual debate on ageing in a digital environment. In: Zhou, J., Salvendy, G. (eds.) *HCI 2019*. LNCS, vol. 11592, pp. 300-312. Springer, Cham (2019). https://doi.org/10.1007/978-3-030-22012-9_22

- Taipale, S., & Farinosi, M. (2018). The Big Meaning of Small Messages: The Use of WhatsApp in Intergenerational Family Communication. *Lecture Notes in Computer Science*, 532–546. doi:10.1007/978-3-319-92034-4_40 .
- Wood, Julia T.(2016) *Interpersonal Communication: EverydayEncounters*. Eighth Edition. Boston:Cengage Learning.
- Yasunaga M, Murayama Y, Takahashi T, Ohba H, Suzuki H, Nonaka K, et al.(2016).v Ch\k: Evidence from the Research on Productivity through Intergenerational Sympathy Project. *Geriatr Gerontol Int* [Internet]. 2016 Mar;16:98–109.